

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## شناسنامه

- نام نشریه : ره یافتگان . شماره هفتم . آذر ۱۴۰۱
- ویژه نامه نكوداشت مرحوم آیت الله موسوی لاری
- مدیرمسئول : تراب حسینی
- سر دبیر : امیرحسین عباسی مرشت
- هیئت تحریریه : محمد مهدی خانجانی - سید مهدی مرتضوی - وحید غیب غلامی  
محمد علی نجفی کرمانشاهی - علی اژدرلو - صادق جعفری
- ناشر : بنیاد بین المللی استبصار
- شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
- وب سایت : [www.estebzar.ir](http://www.estebzar.ir)
- شماره تماس : ۰۹۹۱۷۷۰۰۰۱۴

با قدردانی از تمام عزیزانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته اند.

تمام حقوق این اثر، برای بنیاد بین المللی استبصار محفوظ است.

# روشنی

ویژہ نامہ

نموداشت آیت اللہ سید حسین موسوی کارہ



بنیاد بین المللی  
استبصار

## فهرست مطالب

۴	فهرست مطالب
۵	مقدمه
۶	زندگی نامه
۶	فعالیت سیاسی
۷	سفرهای تبلیغی
۸	تاسیس مرکز نشر معارف اسلامی در جهان
۸	آثار مرحوم لاری
۱۳	ویژگی های تبلیغی مرحوم لاری
۱۷	سخن و علما و بزرگان و اساتید
۱۸	مصاحبه با آیت الله استادی
۲۰	مصاحبه با آیت الله اراکی
۲۲	مصاحبه با حجت الاسلام رضا مختاری
۲۵	مصاحبه با دکتر عبدالحسین طالعی
۲۷	مصاحبه با آیت الله حسین غیب غلامی
۲۹	مصاحبه با فرزند ایشان حجت الاسلام سیدعماد موسوی لاری
۳۶	مصاحبه با حجت السلام حسین جلالی
۳۷	سخنان آیت الله اعرافی
۴۰	سخنان دکتر علی لاریجانی
۴۲	سخنان آیت الله مصباح یزدی (ره)
۴۵	مصاحبه با آیت الله شب زنده دار
۴۶	مصاحبه با فرزند ایشان حجت الاسلام سید علی اصغر موسوی لاری

## مقدمه

بنیاد بین المللی استبصار در راستای ترویج هرچه بیشتر فرهنگ استبصار و حمایت از مستبصرین در سال ۱۳۹۸ شروع به برگزاری همایش های تخصصی با نام بیدارگران نمود. این همایش با سه هدف برگزار می گردد:

- ۱- تجلیل از مبلغین و تقدیر از خانواده های ایشان.
  - ۲- آموزش و ثبت شیوه های تبلیغ موفق بین المللی به طلاب حوزه های علمیه.
  - ۳- بالابردن سطح اطلاعات عموم مردم در رابطه با تلاش ها و مجاهدت های علما.
- مفتخریم که در دهمین سالگرد عالم خدوم حضرت آیت الله سید مجتبی موسوی لاری توفیق یافتیم تا چهارمین همایش بیدارگران را در تجلیل از ایشان برگزار نموده و این نگاهش را تقدیم نگاهتان نماییم.

از ویژگی های اخلاقی این عالم خدوم استمرار در نگارش آثار مفید و ارزشمند گوشه گیری از حواشی، بهره مندی از تمام ظرفیت های در دسترس و توجه به مسلمانان اقصی نقاط عالم بوده است و همین امر باعث شد تا برای تولید این محتوا اعضای تحریریه به صرافت افتاده و برای یافتن شخصیت ها و افرادی که با ایشان مرادوه داشتند تلاش زیادی نمایند.

از آنجایی که هیچ اثر بشری از اشتباه در امان نیست از شما خواننده گرامی خواهشمند است کاستی های این اثر را به دیده لطف خویش بخشیده و ضمن بهره مندی از مطالب اساتید پیشنهادات و انتقادات خویش را ارسال فرمایید در پایان از تمام دست اندرکاران و تمام عزیزانی که ما را در این اثر همراهی کردند صمیمانه متشکریم .

ستاد برگزاری همایش های تخصصی بیدارگران

## زندگانه

سید مجتبی موسوی لاری (۱۳۱۴ - ۱۳۹۱ ش) روحانی و نویسنده شیعه. کتاب‌های او به ۲۸ زبان ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است. «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» با مدیریت موسوی لاری، تبلیغ شیعه در عرصه جهانی را دنبال و کتاب‌های او را برای شخصیت‌ها، موسسه‌ها، مدارس و کتابخانه‌های مختلف جهان ارسال می‌کرد.

وی نوه پسری سید عبدالحسین لاری از فعالان مشروطه بود. موسوی لاری در سال‌های بعد از انقلاب، نماینده ولی فقیه در لارستان بود.

سید مجتبی موسوی لاری در ۱۳۱۴ ش، در شهر لار در استان فارس متولد شد. پدرش آیت الله سید علی اصغر موسوی لاری از علمای منطقه و پدربزرگش آیت الله سید عبدالحسین لاری از مبارزان دوره مشروطه بود.

سید مجتبی بخشی از دروس حوزوی را نزد پدرش و بخش‌هایی دیگر را نزد پسر عمویش سید عبدالعلی آیت الهی فرا گرفت. سپس در سال ۱۳۳۲ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در دروس اساتید این حوزه حاضر شد.

وی در این دوره با بیماری دست و پنجه نرم می‌کرد و مجبور شد یک دوره درمانی نزدیک به ۷ ماهه را در تهران سپری کند.

## فعالیت‌سیاسی

آیت الله سید مجتبی موسوی لاری، از کودکی شاهد برخورد پدر با عوامل استعمار خارجی و استبداد داخلی بود. وی در ۱۷ سالگی از سوی پدر مأموریت یافت با صاحب‌نفوذان کشور برای جلوگیری از به قدرت رسیدن مجدد نماینده مجلس شورای ملی از لارستان که گرایش‌های کمونیستی داشت،

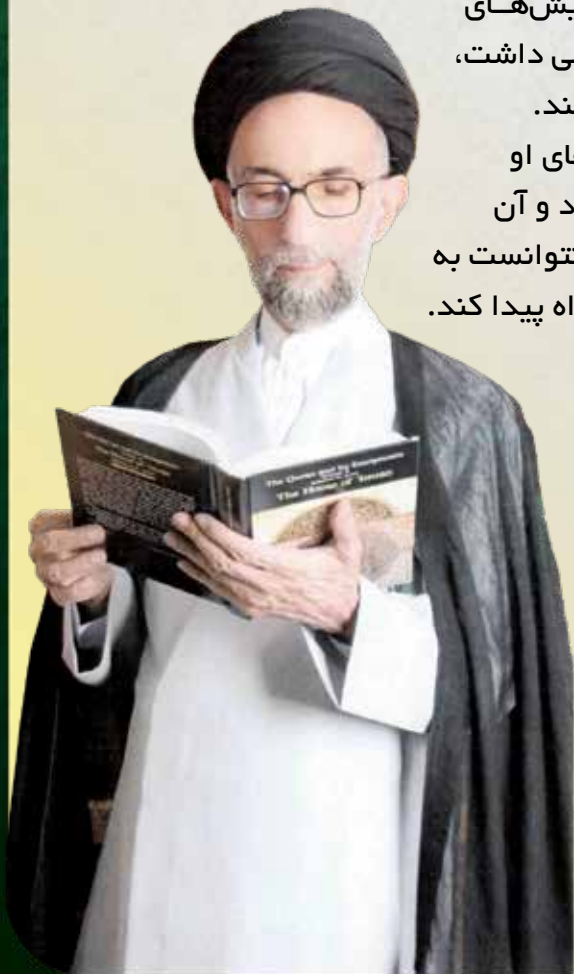
رایزنی کند.

فعالیت‌های او

نتیجه داد و آن

نماینده نتوانست به

مجلس راه پیدا کند.



## سفرهای تبلیغی

سید مجتبی لاری در سال ۱۳۴۲ ش برای درمان به آلمان مسافرت کرد. این سفر حدود ۴۰ روز طول کشید.

او در این سفر به صورت اتفاقی با امام موسی صدر دیدار کرد. این دیدار دقیقاً همزمان با رویداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود.

یکی از دغدغه‌های امام موسی صدر در آن زمان، منعکس نشدن اخبار شیعیان در رسانه‌های جهان بود. سید موسی صدر، در پی تدارک رسانه‌ای برای شیعه بود. این دیدار برای موسوی لاری انگیزه‌ساز شد و وی به فکر راه‌اندازی یک جریان نشر کتب شیعه در جهان اسلام افتاد و او بعد از سفر آلمان، کتاب «اسلام و سیمای تمدن غرب» را نگاشت.

کتاب‌های سید مجتبی موسوی لاری تاکنون به ۲۸ زبان از جمله زبان‌های انگلیسی، عربی، فارسی، اردو، بنگلا، ژاپنی، چینی، ترکی آذری، ترکی استانبولی، آلمانی، آلبانیایی، پرتغالی، لهستانی، رومانیایی، بوسنیایی، روسی، فرانسوی، اسپانیولی، بلغاری، سواحیلی، هوسا، هندی، مالایو، تایلندی و سینهای ترجمه و منتشر شده است.

همچنین مرکز تحت اشراف وی، اقدام به چاپ قرآن کریم با ترجمه انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی و روسی کرد که به متقاضیان از کشورهای مختلف اهدا می‌شود.

رابطه سیاسی آیت‌الله سید علی اصغر لاری، پدر سید مجتبی، با فدائیان اسلام و حمایت فکری و مالی این عالم از این گروه، به ارتباط معنوی و دوستی موسوی لاری با سید مجتبی نواب صفوی انجامید.

در جریان موضع‌گیری‌های مراجع تقلید در برابر لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، او واسطه رساندن طومارها و پیغام‌های مردم لارستان به مراجع تقلید و امام خمینی بود. دعوت از مبلغین مذهبی برای طرح مباحث حجاب در دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه و حتی دانشسرا. این اقدام با واکنش ساواک در برابر حرکت‌های تبلیغی وی منجر شد. جلوگیری از ورود مجله «زن روز» به شهرستان لار و توصیه به دفتر نمایندگی این مجله بر قطع درخواست مجدد اشتراک برای سال‌هایتمادی از دیگر فعالیت‌های وی است. از نظر وی این برنامه‌ها در راستای ابتذال پراکنی رژیم پهلوی تحلیل می‌شد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نماینده امام خمینی در لارستان شد.



## ۱. مشکلات اخلاقی و روانی



سید مجتبی موسوی لاری، از سال ۱۳۴۱ با یک سلسله مقالات اخلاقی-اسلامی در مجله دینی و علمی «درس‌هایی از مکتب اسلام»، نویسندگی را به طور جدی آغاز کرد. مجموعه این مقالات بعدها به صورت کتابی به نام

مشکلات اخلاقی و روانی چاپ و منتشر شد؛ کتابی که تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده و متن فارسی آن نیز برای چهاردهمین بار تجدید چاپ گردیده است.

بررسی و بحث پیرامون برخی از مشکلات اخلاقی و روانی، با استفاده از آیات و روایات می‌باشد که به زبان فارسی و در سال ۱۳۴۵ ش نوشته شده است. هدف نویسنده، انعکاس بخشی از تعالیم ارزشمند و گران‌بهای اخلاق اسلامی به شکل و اسلوبی مناسب بوده است.

کتاب با مقدمه نویسنده در اشاره به برخی از علل ناکامی‌ها و نابسامانی‌های بشر آغاز و مطالب در هفده بخش و هر بخش در ضمن چند عنوان تنظیم شده است. نویسنده سعی

موسوی لاری در قم دفتری به نام «دفتر گسترش فرهنگ اسلامی خارج از کشور» تأسیس کرد که بعداً به «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» تغییر نام یافت. این مرکز به نشر آثار اسلامی به خصوص آثار ترجمه شده وی پرداخت. کتب منتشر شده از سوی این مرکز تبلیغاتی برای درخواست‌کنندگان اعم از افراد، مؤسسه‌ها، مدرسه‌ها، گروه‌ها و جمعیت‌های اسلامی به صورت هدایی ارسال می‌شود. در این مرکز به سوالات و دیدگاه‌های رسیده نیز پاسخ داده می‌شود.

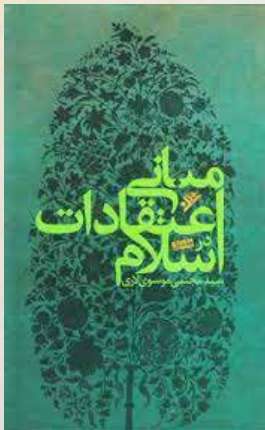
در مهر سال ۱۳۸۹، همایشی در تجلیل از سید مجتبی موسوی لاری از سوی نهادهای دینی و تبلیغی جمهوری اسلامی ایران، از جمله مجمع جهانی اهل بیت(ع)، برگزار شد. همچنین در سال ۱۳۷۲ شمسی به دلیل تأثیری که نشر کتب روسی موسوی لاری در جمهوری آذربایجان به جای گذاشت، «آکادمی علوم جمهوری آذربایجان» دکترای افتخاری به او اهدا کرد و به همین مناسبت مراسم در دانشگاه باکو برگزار کرد.

سید مجتبی موسوی لاری، شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۱ در ۷۷ سالگی در لار درگذشت و دوشنبه ۲۱ اسفند، بنا به وصیت خودش در شهر قدیم لار در جوار گلزار شهدا در «مکتب القرآن» به خاک سپرده شد. آیت الله خامنه‌ای در پیام تسلیتی خدمات موسوی لاری در چند دهه اخیر را کم‌نظیر توصیف کرد.



یا حتی پس‌رفت بشر اشاره کرده و با تبیین همه‌جانبه این فرآیند، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را بیان کرده است.

### ۳. مبانی اعتقادات در اسلام



موسوی لاری در سال ۱۳۵۷ ش به دعوت یکی از سازمان‌های اسلامی، به آمریکا رفت و با صاحب نظران در زمینه ضرورت نشر مسائل اعتقادی اسلام به زبان‌های خارجی به مشاوره و گفتگو پرداخت. وی سپس به انگلستان و فرانسه

رفت و پس از بازگشت، به نوشتن یک سلسله مقالات درباره ایدئولوژی اسلامی در مجله سروش پرداخت. این مجموعه مقالات که اصول عقاید اسلامی را دربرمی‌گرفت، با نام مبانی اعتقادات در اسلام در چند جلد کتاب که شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بود، انتشار یافت.

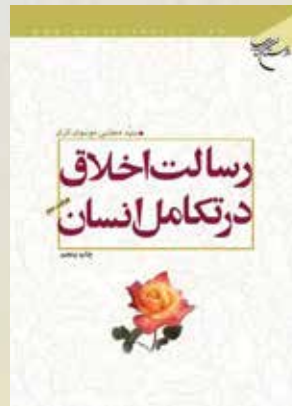
### ۴. رساله الاخلاق

مؤلف در مقدمه کتاب، به اهمیت بحث اخلاق و اصلاح نفس پرداخته است. در فصل اول از طبیعت انسان و قوایی که در آن به ودیعه گذاشته شده است سخن گفته و به نظام تربیتی اسلام اشاره می‌کند. وی در این فصل

کرده است تا موضوعات اخلاقی را در قالب الفاظی روزپسند و خالی از اصطلاحات نامفهوم، با اسلوبی جذاب و شیرین تنظیم نماید. در این نوشتار، پاره‌ای از مسائل روانی و تربیتی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نظرات علمی دانشمندان غرب در کنار روایات و سخنان پیشوایان دین عرضه گردیده است.

نویسنده در این کتاب به موضوعات اخلاقی همچون بدخلقی، خوش بینی، بدبینی، دروغ، نفاق، غیبت، عیب‌جویی، حسد، تکبر، ستمگری، کینه و عداوت، خشم، پیمان‌شکنی، خیانت، بخل، حرص، مجادله پرداخته است.

### ۲. رسالت اخلاق در تکامل



وی به تهیه و تنظیم مقالات اخلاق اسلامی در مجله مکتب اسلام ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ ش مجموعه آن مقالات با تجدیدنظر و اضافات، به صورت کتابی با عنوان رسالت اخلاق در تکامل انسان انتشار

یافت که ۶ بار در ایران تجدید چاپ شده است.

این کتاب فلسفه اخلاق را در رشد و ترقی بشر مورد بررسی قرار داده و با بحثی فراگیر، به تأثیرات اخلاق و اصول اخلاقی در رشد و

در فصل ششم از اثر خیرات در زندگی و تعاون و یاری مومنین و رفع نیازهای آنان سخن می‌گوید. و طبق حدیثی که مرحوم کلینی در اصول کافی نقل کرده، به محبوب‌ترین افراد نزد خدا اشاره می‌کند.

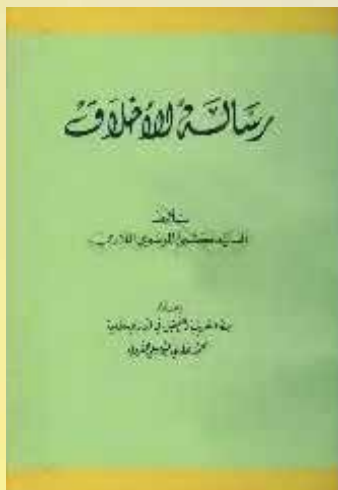
«از رسول خدا(ص) سؤال شد محبوب‌ترین افراد نزد خدا کیانند؟»

پیامبر فرمودند: کسانی که برای مردم منفعت بیشتری می‌رسانند.

در ادامه بیان می‌کند که محبت و احسان دو امری هستند که برای انسان محدودیتی ندارند.

در فصول بعدی به بحث صبر، عزت و کرامت نفس، عجب و غرور، ضعف اراده، معاشرت و ریا، اعتماد به نفس و اعتماد به خدا، و بالاخره از خوف و رجاء سخن می‌گوید.

تمامی مطالب کتاب بر اساس آیات و روایات



معصومین علیهم السلام

و همچنین بر محور عقل و تدبیر است که از سخنان اندیشمندان و فلاسفه غربی نیز زیاد استفاده شده و سخن آنان را مورد نقادی قرار داده است.

خاطر نشان می‌کند که آدمی، میل به کمال دارد و این که انسان بالفطره، جانی باشد را رد کرده و در این زمینه نظریات اندیشمندان مختلف را آورده و به نقد و بررسی آنها پرداخته است. در فصل دوم سعادت انسان را در عقل وجدان دانسته و به ابعاد عقل می‌پردازد.

وی در این فصل بیان می‌کند که یکی از عوامل مهمی که اثری بزرگ در بصیرت عقل دارد، تقوی است که منظور از عقل در اینجا، عقل عملی است نه عقل نظری.

در فصل سوم از تربیت شخصیت و تکامل آن سخن گفته و اثرات عقل و ایمان را در بنای اسلام بیان می‌کند.

در فصل چهارم به مبحث عمل و تکالیف انسانی در تکامل روح می‌پردازد و بیان می‌دارد که اسلام برای هر فردی، مسولیتی برای اعمالش قائل است. در فصل پنجم به بحث طمانینه و آرامش اشاره کرده و خاطر نشان می‌کند که ایمان در روح و روان آدمی سبب آرامش می‌شود و از تسلیم بودن به امر الهی و مقام رضا طبق آیات و روایات سخن می‌گوید.

وی می‌گوید: انسان برای رسیدن به حاجاتش باید مشکلات زیادی را تحمل نماید که در خلال این سعی و اجتهاد به کمال می‌رسد و قوای عقلی و روحی او متعالی می‌گردد.

وی خاطر نشان می‌کند که ایمان باعث می‌شود که تحمل سختی‌ها و دردها و مشکلات برای انسان، آسان گردد.

## ۵. أصول العقائد فی الإسلام



ترجمه عربی کتاب مبانی اعتقادات در اسلام، اثر سید مجتبی موسوی لاری است که توسط محمدهادی یوسفی غروی، صورت گرفته است. کتاب، متن فشرده‌ای است از یک دوره «اصول عقاید اسلامی» که

در طرح آن، کوشش شده است تا مباحث گوناگون به‌طور زنده مورد ارزیابی قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که هم جنبه استدلالی آن مراعات گردد و هم سادگی و روانی عبارات از نظر دور نماند. جلد اول، دربردارنده اصل اول و دوم می‌باشد.

بحثی درباره شناخت خداوند، عنوان نخستین اصل کتاب است که نویسنده در آن، مباحثی مانند «سیر اعتقادات در بستر زمان، ندای خداجویی از عمق وجود، خدا و منطق تجربی و بی‌نیازی مبدأ هستی از علت» را مطرح کرده است.

نویسنده در این اصل، به «ویژگی‌های آفریدگار» اشاره کرده و ابتدا خداوند متعال را از نگاه قرآن معرفی می‌کند و می‌نویسد: «قرآن که اساسی‌ترین مأخذ شناخت جهان‌بینی اسلام است، با شیوه نفی و اثبات

مسئله را پیگیری می‌کند؛ یعنی با راهنمایی‌ها و براهین جالب، ابتدا خدایان غیر حقیقی و دروغین را نفی می‌کند؛ زیرا به‌منظور نزدیک شدن به ارزش متعالی توحید، قبل از هر چیز باید همه صور شرک و عبودیت غیر خدا را نفی کرد».

مؤلف در اصل دوم، عدل گسترده خداوند را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه‌های موجود درباره عدل، تحلیل از ضایعات و نارسایی‌ها را نیز به‌تفصیل بیان کرده است. وجود شرور در عالم، ارزیابی مسئله جبر و اختیار، قضا و قدر، کیفیت تحقق اراده الهی و تفسیر ناقص قضا و قدر، دیگر عناوین مطرح‌شده در این اصل می‌باشد.

جلد دوم، اصل سوم (نبوت) را در خود جای داده و به موضوع رسالت انبیا و مسئله خاتمیت اختصاص یافته و از جمله موضوعات مطرح‌شده در آن، عبارتند از: معرفت وحی و توضیح آن، ابعاد عصمت انبیا، ارتباط قرآن با علم حدیث، ابعاد قرآن، استمرار جذابیت قرآن و عمق نفوذ آن، بشارت مسیح(ع) به رسالت نبی اسلام(ص) و سر خاتمیت.

جلد سوم، اصل پنجم (معاد) را در خود جای داده است. برخی از درس‌های معاد عبارتند از: تصویر مرگ در دو چهره مختلف؛ هراس از مرگ؛ مکافات عمل؛ دو بینش در قلمرو لذت این جهان؛ رستاخیز، یک بعد از حکمت جامع خداوند است؛ رستاخیز بعد دیگری از تجلی عدل الهی است؛ در ضرورت رستاخیز، فطرت هم الهام بخش ماست؛ علم برای درک معاد

افق جدیدی را گشود و...

نویسنده در بخشی از این جلد می‌نویسد:

«قرآن می‌خواهد به انسان‌ها توجه دهد که تجدید زندگی هرچند در مقایسه با توانایی بشر امری ناممکن است، اما در مقایسه با توانایی بی‌پایان خداوند که برای نخستین بار در پیکر بی‌جان مرده حیات دمیده، مسئله‌ای لاینحل و پیچیده نیست».

نویسنده در آخرین جلد، به بررسی مسائل مربوط به امامت و ولایت پرداخته که از جمله مباحث آن، می‌توان موضوعات زیر را برشمرد: جایگاه رهبری در اسلام، موضع رسول خدا(ص) در قبال آینده اسلام، اعلام زعامت حضرت علی(ع) از سوی پیامبر(ص)، اعتراض حضرت علی(ع) به تصمیم صحابه، ارزیابی موقعیت علی(ع) در دیگر سخنان پیامبر(ص)، تبیین رابطه قرآن و عترت(ع)، تشیع در بستر تاریخ، عصمت امام و ضرورت باور به آن و...

در بخشی از موضوع تبیین رابطه قرآن و عترت آمده است:

«آیات قرآن کریم مجموعه دستاوردها و قوانین آسمانی اسلام است و تعلیمات آن ضامن بهروزی و نجات انسان‌هاست، اما تفسیر و تأویل قرآن را باید کسانی برعهده گیرند که به زبان وحی آشنا باشند و صلاحیت علمی و عملی آن‌ها از هر لحاظ محرز گردد... پس قرار گرفتن عترت در کنار قرآن به لحاظ نیاز کتاب آسمانی به تفسیر و تشریح اهداف و مقررات آن است.»

«امامت یک ضرورت عقلی»، «امامت و هدایت باطنی انسان‌ها»، «اشاره به آیه تطهیر»، «جامعیت امام در ارکان معارف اسلامی»، از موارد دیگری است که در این جلد به آن‌ها اشاره شده است.

## ۶. دروس فی الإمامة و القيادة



مباحثی که در کتاب بررسی می‌شود، اجمالاً عبارتند از: جایگاه رهبری در اسلام، ضرورت وجود امام، جایگاه امامت در جامعه، ویژگی‌های امامان، امام و علم غیب، پیامبر(ص) و آینده اسلام، رویدادهای پس از پیامبر(ص) و در سایه‌سار اهل‌بیت و... می‌باشد. این کتاب در یازده بخش تنظیم شده است.

کمال سید، کتاب را از زبان فارسی تحت عنوان «درس‌هایی در امامت و رهبری»، به زبان عربی برگردانده است.

# ویژگی‌های روش تبلیغی آیت موسوی لاری

یکی از ویژگی‌هایی که فعالیت‌های تبلیغی مرحوم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری را از سایرین متمایز می‌کرد اقبال قشرهای مختلف مردم و مخاطبان به آثار ایشان بود. از این رو بر آن شدیم با استفاده از سخنرانی‌ها، مقالات و مصاحبه‌های شخصیت‌های حوزوی و نزدیکان ایشان برخی از ویژگی‌های ایشان را برمی‌شماریم.

## ۱- مخاطب شناسی

بخش بزرگی از مخاطبان ایشان قشر تحصیلکرده، نخبگان و متفکران غربی بودند. گرایش چنین افرادی به آثار ایشان و تاثیرپذیری عمیق آنان در مواجهه با این آثار، نشان دهنده شناخت صحیح مخاطب توسط ایشان است.

## ۲- ارتباط عاطفی با مخاطب

ایشان به کار خود عشق می‌ورزید و ورای روابط تشکیلاتی و اداری با مخاطبان خود رابطه‌ای دوستانه، صمیمی و عاطفی برقرار می‌کرد.

آرتور سوسا از کلمبیا در نامه‌ای می‌نویسد:

«با احساسی از عمق جان می‌گوییم که اگر قدرت آنرا داشتم تا همه ستارگان آسمان را پیشکش کنم، این کار را با تمام شور و اشتیاق درونی می‌کردم؛ زیرا این حرکت پر احساسم به پاس سپاس نسبت به شماست. من در

سرزمینی زندگی می‌کنم که کسی به فکر دیگری نیست و هر انسانی در لاک خود فرو رفته و تنها به فکر خویش است. خدای تعالی این توفیق را نصیب شما کرد تا چراغی فروزان را برای ارشاد و هدایت مردم و رهایی دیگران بر افروزید.»

## ۳- گزیده نویسی و شیوا نویسی

یکی از محاسن آثار ایشان این است که به زبان ساده سخن می‌گویند و مخاطبان به راحتی با محتوا ارتباط برقرار می‌کنند. یکی از این نمونه‌ها کتاب کم‌حجمی است که به یک مبحث تفسیری در سوره طه راجع به حضرت موسی (ع) پرداخته است. ایشان تفسیر زیبایی را ارائه داده‌اند که در هیچ یک از تفاسیر نظیر آن دیده نشده است.

## ۴- اخلاص

امیر مومنان می‌فرماید: رهایی از چنگ مشکلات در گرو اخلاص است.

یکی از مهترین ویژگی‌های مرحوم لاری اخلاص ایشان بود و هر آنچه انجام داده‌اند بدون هیچگونه چشم‌داشت بوده است. ایشان حتی با وجود مشکلات فراوان و بیماری، تنها در مدار وظیفه گام برمی‌داشته‌اند.

یکی از دوستان ایشان نقل می‌کنند:

«روزی خدمتشان رسیدم. پرسیدند که طبق آمار رسمی فلان کشور آفریقایی چند شیعه دارد؟ گفتم آقا شاید به صد نفر هم نرسند! ایشان فرمودند باید خیلی بیشتر از این حرفها



این زمینه ها دستی بر آتش داشته باشد می‌داند که بسیار عجیب است که این همه منبع حقیقت‌گستر و آثار شایسته و هدایت‌آفرین، کار فردی به تنهایی باشد. بلکه باید گروه‌های تحقیقاتی با عده و عده فراوان بنشینند تا بخشی از این کار را انجام دهند. اما انسان می‌بیند که مرحوم لاری به تنهایی، آن هم با آن بیماری طاقت‌فرسا در زمانی که تجهیزات بسیار کمتر از این روزگاران بود، توانستند دل‌های بسیاری از سراسر عالم را متوجه حقایق اسلامی گردانند.

این مهم به دست نیامد جز به واسطه انگیزه‌ای کاملاً الهی و عدم توجه به حواشی. ایشان در توصیه‌های خود به طلاب علوم دینی، این مطلب را تذکر دادند که می‌بایست طلبه‌ها از پرداختن به حواشی بپرهیزند و هیچگاه خود را در این زمانه به کارهای اجرایی مشغول ننمایند بلکه در امور فرهنگی که کار ویژه ایشان است بذل جهد نموده و این گمشده جهانیان را بدست ایشان برسانند.

باشد چه اینکه نامه هایی که به دست من از آنجا رسید چند برابر این مقدار است. گفتم آقا ناراحت نشوید ولی در آن مناطق کتاب یعنی پول! شما هم که کتابها را رایگان میفرستید.

دیدم ناگهان سر به سجده شکر نهادند. گفتم چرا این چنین کردید استاد؟! فرمودند فهمیدم که به لطف خدا کارم دو فایده پیدا کرده! اولی اینکه فردی فقیر را سیر می‌کنم و دوما کسی که حاضر است برای کتاب پول بدهد به احتمال زیاد آنرا می‌خواند پس من به هدفم می‌رسم.»

#### ۵- نیاز شناسی

نیاز شناسی و تشخیص درد نخستین اقدام یک طبیب خوب است. آیت‌الله موسوی لاری با این توانایی که داشتند توانستند در جهت پرکردن این خلاهای علمی، فلسفی و اعتقادی گام بردارند.

مکاتبات ایشان با بعضی از نخبگان مغرب زمین، تسلط وی را در شناخت موقعیت آنها نشان می‌دهد.

از طرفی آشنایی با فرهنگ و نیازهای آن و از طرف دیگر تسلط بر مبانی دینی سبب شده که ایشان به خوبی پاسخگوی جوامع غربی باشند.

#### ۶- سخت کوشی و عدم توجه به حواشی

امام باقر (ع) می‌فرمایند: استمرار در کار از شروع کار اهمیتی افزون‌تر را داراست.

این صفت در مرحوم آیت‌الله موسوی لاری بسیار وضوح داشت. چه اینکه اگر کسی در

## ۷- تاکید بر کیفیت نه کمیت !

اگر به تعداد کتاب‌های ایشان نگاهی کرده و با برخی از نویسندگان مقایسه کنید، شاید مرحوم لاری کتاب‌های کمتری تالیف کرده‌اند. اما وقتی به محتوا و میزان تاثیرگذاری آن‌ها توجه کنید، محتوای کتاب‌های ایشان با محتواهای مشابه قابل مقایسه نیست چه اینکه استقبال جدی مخاطبان از اقبشار و سطوح مختلف جهان نشان دهنده این مطلب است.

## ۸- تقریب مداری دینی و مذهبی

ایشان با وجود اینکه معارف ناب شیعی را در سراسر دنیا منتشر می‌کرد اما تا به امروز هیچ‌جا کسی شکایتی از مطالب یا برخورد ایشان نداشته است. به بیانی دیگر ایشان مصداق حقیقی تقریب‌مداری دینی بودند. شاید ایشان یکی از بهترین نمونه‌هایی باشند که در این زمینه یعنی رعایت توأمان تقریب و تبلیغ جدی مکتب اهل بیت (ع) در مقابل انظار ما قرار دارند.

## ۹- توجه جدی به ترجمه آثار به نحو مطلوب

یکی از بلاهایی که امروزه گریبان‌گیر مولفین در زمینه آثار دینی بین‌المللی شده است، رزومه‌سازی و عدم توجه به میزان تاثیرگذاری است. لذا مرحوم شهید مطهری (ره) و برخی نویسندگان زبردست از این وضعیت نشر شکایت‌های فراوانی داشته‌اند.

مرحوم موسوی لاری نه تنها آثاری پر مغز و محتوا تولید می‌کردند، بلکه در ترجمه آثار توجه و افری به دقت در ترجمه و همچنین

روانی محتوای ترجمه شده داشته‌اند. چه اینکه کتاب‌های ایشان با اینکه به زبان‌های متعددی چاپ شده‌اند اما وقتی به اسامی مترجمین توجه کنید و یا به میزان تاثیرگذاری این آثار در هر کشور و ملتی توجه کنید به این مهم دست خواهید یافت.

مرحوم موسوی لاری در واپسین سالهای عمر خود به همین مساله تأکیدی فراوان داشتند و می‌فرمودند یکی از وظایف ما راه‌اندازی نهضت ترجمه است!

## ۱۰- عدم تعلق به مسائل اقتصادی

مرحوم لاری با وجود ارتباط با لایه‌های مختلف حکومتی، و دارا بودن منصب نمایندگی ولی فقیه در دوران امام (ره) و در حالیکه تاثیر گذاری و اتقان آثار ایشان بر کسی پوشیده نبود، هیچگاه فعالیت‌های خود را بر وصول بودجه‌های دولتی و ... یا حمایت‌های معنوی این چنینی متوقف نکرد و اتفاقاً تا پایان عمر از چنین حمایت‌هایی کم‌بهره یا حتی بی‌بهره بود.

شاید بتوان ایشان را از مصادیق جدی جهادگران عرصه‌ی تبیین، بیدارگران غیرتمند و مومنین راسخ دانست که تمام داشته‌های خود را از جانب خدا می‌دانستند و فقط در راه حق تعالی قدم برمی‌داشتند.





رحمة الله عليه  
سخنانی پیرامون آیت سید موسوی لاری

«توسط علما، اساتید و برخی از نزدیکان ایشان»



## شخصیت آیت الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر حضرت آیت الله استادی

آیت الله رضا استادی از اساتید حوزه علمیه قم در گفتگو با مرکز استبصار نکاتی را در رابطه با شخصیت مرحوم آیت الله موسوی لاری مطرح کرد. بخش‌هایی از این گفتگو را در زیر می‌خوانید.

«خصوصیاتی برای ایشان بود که این را تمام کسانی که مطلعند تصدیق می‌کنند. یکی اینکه تشکیلات ایشان خیلی عظیم است و بسیار سابقه‌دار هستند و دوم اینکه در مورد کارش به هیچ وجه تبلیغی نداشت. اگر تبلیغی بود برای کتاب‌ها بود و یا برای ارسال کتب. خصوصیت دیگری که ایشان داشت این بود که به بودجه دولت متکی نبود. شنبه‌ها به محل خودشان می‌رفت و این یک کار مردمی بود و مردم اداره می‌کردند و این درسی است که می‌شود واقعا کارها را انجام داد بدون اینکه به دولت متکی باشد. خصوصیت دیگر ایشان این بود که کتابی نوشته است و مواظب بوده که این کتاب متن موازین اسلامی را داشته باشد. چون این کتاب با اخلاص نوشته شده است دقت هم شده که معرف اسلام باشد.

آن کتاب در چرخه انتشارات خارج از کشور قرار گرفته و آنجا خیلی نشر خوبی داشته و تشویق مهمی برای ایشان بوده است. اخلاص را هم از همین راه‌ها می‌فهمیم. ما که واقعیت را خیر نداریم و در دل کسی نیستیم. ولی ما ظاهر خارج را که می‌بینیم مشاهده می‌کنیم که دنبال خودنمایی

نیست و کاری به این عظمت را انجام می‌دهد و دنبال این هم نیست که او را بشناسند و با این و آن مصاحبه کند و توضیح دهد که چکار کرده‌ام و چه می‌کنم.»

«در ترجمه کتاب‌ها و متون به زبان خارجی مثلا انگلیسی برخلاف بسیاری از موسسات که در ترجمه دقت نمی‌کردند، ایشان از همان اول با وجود خرج و پرداختی زیاد سعی کرده است که ترجمه‌های دقیقی داشته باشد. و برخلاف برخی که کارهای تبلیغی خارج می‌کنند که هم کار خودشان را ارائه می‌دهند هم کار دیگران را ایشان فقط کار خود را ارائه داده است. احتمالا از آنجایی که به کارهای سایرین اطمینان زیادی نداشته است نخواست درگیر شود. شاید تنها موسسه‌ای است که فقط و فقط کتب خودش را چاپ می‌کند.»

[درباره مساله تقریب] من فکر نمی‌کنم که کسی آگاه به وضع زمان باشد و این قصه تقریب و وحدت را قبول نداشته باشد. مرزش خیلی روشن است. ما هم نمونه داریم یعنی می‌توانیم نشان دهیم. مکرر هم گفته‌ایم که مثلا تفسیر مجمع‌البیان برای طبرسی است و تفسیری است که اگر کسی مراجعه بکند یک جا پیدا نمی‌کند که ایشان راجع به اهل بیت کوتاهی کرده باشد. از آن طرف هم یک جا پیدا نمی‌کنند که به بزرگان اهل سنت اهانت شده باشد. الان مجمع را در مصر چاپ کردند و خودشان تصحیح کردند. یعنی از اول تا آخر خواندند و نتوانستند بهانه‌ای بگیرند که اینجا یا آنجا باید حذف شود. این همانی است

گاهی کتاب می‌آورند که از اول تا آخرش بدگویی به آنهاست. از آنان می‌پرسیم چرا؟ می‌گویند ما نباید کوتاه بیاییم. ما می‌گوییم که معنی کوتاه نیامدن این نیست بلکه به معنای درست معرفی کردن است.

یک توازن حفظ شود که ما و آنها هر دو باشیم و تبلیغمان و تبلیغ آنان نیز باید در حد خودش باشد. اما گاهی هوس کنند که در جلسات درس ما بیایند و بخواهند که ما هم بیاییم. آنها هم قبول کنند و ما هم قبول کنیم اما در جاهای خاصی. یک جاهای محدودی هم ما صحبت کنیم و آنها هم صحبت کنند. این چیزها را فکر نمی‌کنم هیچکدام از دو طرف مخالف آن باشد.

آقای لاری خودش به تنهایی بدون هیچ مؤونه‌ای توانسته کار مهمی انجام دهد که افراد فراوان را متوجه خودش کند که لااقل مطالعه کنند. خب این خیلی کار مهمی است.

یک قصه‌ای را نقل کنم که چند نفر لندن رفته بودند. چندتایشان معمم و چند تایشان غیرمعمم بودند. داشتند در خیابان می‌رفتند یکی یا دو تا از این منافقین سراغ این‌ها آمدند و پرسیدند که شما اینجا چکار می‌کنید؟ برای چه اینجا آمدید؟ این‌ها دو دسته بودند. پنج یا شش تایشان طلبه یا غیرطلبه و بعضی جلوتر و بعضی نیز عقبتر بودند. این داشت خیلی با شدت صحبت می‌کرد ناگهان دیدند که خاموش شد و آن عقبی‌ها به طلبه‌ها گفتند ما خودمان از شما هستیم.

سوال: حاج آقا ببخشید عرضی که داشتم خدمتان این بود که در نقاط مرزی افرادی را

که از اول هم گفته شده است که ما نباید از اهل بیت کوتاه بیاییم و باید فضایل، مقامات، امامت و مساله غدیر را بگوییم.

پرچمدار وحدت امام (ره) است. امام خودش در وصیت‌نامه‌اش این مساله را مطرح کرده است. خود آقا در یک نماز جمعه، خطبه غدیر را مطرح کردند. حرف این است که اهل بیت و شیعه به دیگران معرفی شود.

علی‌الظاهر آقای بروجردی، مرحوم کاشف‌الغطاء، و جلوتر از آنان کسانی که آگاه بودند و بخصوص با وضع جامعه آشنا بودند، قبول دارند که ما باید در معرفی شیعه و اهل بیت به داخل و

خارج کوتاهی نکنیم و از آن طرف هم مواظب باشیم که به بزرگان آنان کاری نداشته باشیم.



## شخصیت آیت الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر آیت الله محسن اراکی

آیت الله محسن اراکی از اساتید حوزه علمیه در گفتگو با مرکز استبصار پیرامون آثار و فعالیت‌های مرحوم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری نکاتی را بیان فرمودند. بخش‌هایی از این گفتگو در ادامه آمده است.

«ایشان، عالمی پخته و مستقیم‌الفکر و آشنای با مبانی دین و محیط به مسائل اعتقادی و مسائل گوناگون تفکر اسلامی در چارچوب مدرسه اهل‌البیت (ع) بودند. شخصی با همت، که چون تشکیلات و دستگاه و سازمان در اختیار نداشت خود، به تنهایی و با اتکای به امکانات شخصی خود وارد این میدان شد؛ منتها ما هر جا می‌رفتیم در نقاط مختلف دنیا، آثار ایشان را می‌دیدیم. هم آثار مکتوب ایشان و هم آثار زحمات ایشان. افراد زیادی خودشان اظهار می‌کردند که ما تحت تأثیر هدیات و تعالیم آقای موسوی لاری قرار گرفتیم. از کتب ایشان استفاده کردیم و در مدرسه ایشان (منظورم از مدرسه، مکتب و جریان‌هایی که به وجود آورد است) رشد کردیم و تربیت یافتیم و اثر گرفتیم؛ یعنی محسوس بود اثرکار ایشان در نقاط مختلف دنیا. من همان روزهایی که ایشان هنوز در قید حیات بودند گاهی متعجب می‌شدم که یک شخص با امکانات شخصی بسیار متواضعانه این‌قدر خدا به او برکت بدهد و این‌قدر مورد تأیید خدا قرار بگیرد که بتواند این دامنه گسترده فعالیت را در جهان انجام دهد و مؤثر هم واقع

داریم که خودشان با تحقیق به راه‌های گوناگون می‌آیند و شیعه می‌شوند. اما مورد بی‌مهری اهل سنت قرار می‌گیرند و از خانواده طرد می‌شوند و حتی در مشاغلشان دچار مشکل می‌شوند. مشکلات عاطفی و عدیده دیگری نیز برایشان ایجاد می‌شود. نسبت به این کار و این اشخاص نکته و فرمایشی دارید؟

اول باید ببینیم که این چنین چیزی هست؟ چون الان در زمان ما این این حرف‌ها را ایجاب نمی‌کند. این مال جای پرت و دورافتاده مثل دهات است. اما حالا که دانشگاه و بحث است. پسر بیاید و بگوید که من تحقیق کرده‌ام و با سواد باشد کسی حرفی نمی‌تواند بزند. حالا یا دولت وظیفه دارد که اگر واقعا زیاد باشد مثل دارالمصطفی که شناسایی و اداره کنند که این‌هایی که از زندگی افتاده‌اند و می‌دانند که راست می‌گویند و نمی‌تواند برگردد.

که راست می‌گویند و نمی‌تواند برگردد. خوب اگر واقعا اینطور باشد که مثلا در یک روستایی صد نفر جمعیت دارد و صدتایشان شیعه شدند خوب آنجا را باید اداره کنند. در مدارس ما و مدارس آن‌ها شاید شیعه و سنی مخلوط باشند. یعنی معلم‌هایی تعریف شوند که بدانند چه می‌کنند و در کلاس چه می‌گویند. اصل اینکه بخواهیم جلوی شیعه شدن کسی را بگیریم خوب این درست نیست. اگر کسی می‌خواهد شیعه شود. اما اگر اطلاع داشته باشیم که در آینده چه می‌شود راه‌هایی دارد. یکی از راه‌هایش این است که همانجا بماند و تقیه کند تا ببیند چه می‌شود یا اینکه اینجا برای آنان تشکیلاتی داشته باشد.

فعالیت را در جهان انجام دهد و مؤثر هم واقع شود. تواضع و اخلاص ایشان و اینکه بدون توقع اینکه نام و اسمی از ایشان برده شود، شخص شهرت‌گریز و نام و نشان‌گریز، لله و فی الله، کمر همت بست و این دامنه گسترده از فعالیت‌های اسلامی و فعالیت‌های نشر مکتب در سراسر جهان انجام داد.

اینکه قرآن کریم می‌فرماید «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» ادْعُ گرچه خطاب به رسول اکرم است؛ اما این خطاب‌ها متوجه شخص رسول بما هو شخص نیست؛ بلکه بما هو «رهبر» است؛ لذا این خطابی است که او و همه پیروان وی را شامل می‌گردد. وظیفه ما این است که مردم دنیا را، بالأخص جهان اسلام را با معارف اهل بیت و اَحَقِّیَّتِ اهل بیت و حقانیت راه، سیره و سلوکشان آشنا کنیم و هیچ منافاتی با وحدت هم ندارد؛ چون مقصود ما از وحدت این نیست که شیعه سنی یا سنی شیعه شود. حالا وقتی سنی بخواهد شیعه شود حرف دیگری است و جای خود را دارد. منتها وحدت معنایش این است که ما به عنوان مسلم علی رغم اختلافاتی که داریم (به‌رحال ما اختلاف داریم) مسلک اهل بیت یک مسلک است و ما تحلیل داریم از اینکه چرا این مسلک با مسلک دیگر متفاوت است. تحلیلیمان هم این است (و تحلیل روشنی است) که ما مدعی هستیم که در زمان امیر المؤمنین که خلافت ایشان مقبول همه اهل سنت است ما در تعالیم اسلامی در زمان حضرت امیر، اختلاف بین مسلمین نمی‌بینیم و سنت محمد (ص) در همان زمان از علی بن ابی‌طالب



گرفته می‌شده است. همه اصحاب متفق بودند که اگر کسی بخواهد با سنت رسول الله آشنا شود کسی اعلم از امام علی (ع) نیست و قبول داشتند که «بَابُ مَدِينَةِ عِلْمِ الرَّسُولِ» است. آن اختلافاتی که پیش آمد بعد از دوران حکومت بنی امیه است. ما دعوتمان این است که می‌توانیم با یکدیگر در مشترکات متفق علیها زندگی کنیم مثل همان دوران حضرت امیر (ع). در آن دوران هم اینطور نبود که کسانی که پیرو او بودند همه ائمه اثنا عشر را قبول داشته باشند یا مثل ما شیعیان همه عقایدی که ما معتقدیم را قبول داشته بوده باشند.

## شخصیت آیت الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر حجت الاسلام والمسلمین مختاری

استاد رضا مختاری از اساتید حوزه علمیه در گفتگو با مرکز استبصار در زمینه روش تبلیغی مرحوم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری نکاتی را بیان کردند. گزیده‌ای از این گفتگو را در زیر می‌خوانید.

ابتدا از شما و همه دست‌اندرکاران برپایی این همایش ارجمند تشکر می‌کنم که این کار تجلیل و تکریم خادمان شریعت مطهر و خادمان تراث اهل‌بیت علیهم السلام و مروجان مکتب حق شیعه اثناعشری است.

یک سری خصوصیات خود این بزرگوار داشت و یک سری از خصوصیات مربوط به آثار ایشان می‌شد. از خصوصیات خود ایشان این بود که کتابی که می‌نوشت با توجه به فرهنگ مخاطب بود؛ یعنی اول، فرهنگ مخاطب را شناخته بود؛ بعد برای آن فرهنگ و متناسب با آن فرهنگ و متناسب با نیاز آن فرهنگ، کتاب می‌نوشت. در سفر که برای معالجه به اروپا رفته بود (در دهه چهل) یک شناختی از فرهنگ مردم آنجا برایش حاصل شد و نیازها را شناخت و بعد، برای تأمین آن نیازها دست به قلم برد. خود ایشان روی این نقطه خیلی تأکید دارند. بارها فرموده‌اند که هر کتابی اینطور نیست که بر همه مردم دنیا، یکسان، و آموزنده باشد؛ بلکه متناسب با هر منطقه‌ای و هر فرهنگی، کتابی را باید نوشت.

پس یکی از مسائل مهم، توجه به فرهنگ مخاطب است.

نکته دوم که از امتیازات آثار ایشان می‌باشد این است که ترجمه آثار این بزرگوار به قلم اساتید فن و بزرگان فن انجام شده است که زبان اصلی‌شان زبان غرب بوده است و هم به زبان مبدأ و هم مقصد و هم به متنی که ترجمه می‌کنند آشنا بوده‌اند و این خیلی در تأثیرگذاری و اثربخشی کتاب مؤثر است. خیلی‌ها فکر می‌کنند که هر کتابی را با هر مترجمی با هر سطحی از اطلاعات را برای ترجمه کردن می‌شود داد. اما این بزرگوار اینگونه نبود. آثار این بزرگوار را مترجمان تراز اول ترجمه کرده‌اند.

ویژگی بعدی این است که حتی برخی از آثار ایشان به سی زبان ترجمه شده است و این حاکی از اثرگذاری آثار این بزرگوار است.

اینجانب به بعضی از ویژگی‌های شخصی ایشان که باعث می‌شد که این آثار با برکت و مؤثر واقع شود اشاره می‌کنم: اولاً بدون هیاهو و سروصدا و با پرهیز از شهرت‌طلبی و در کمال تواضع علمی و عملی کارها را پیش می‌بردند. شخصیتی داشتند بسیار متواضع، فروتن و با اخلاص و چه بسا این آثاری که می‌بینیم و برکاتی که آثار ایشان دارد نتیجه همان اخلاص، تواضع، فروتنی و پرهیز از شهرت‌طلبی باشد.

نکته دیگر اینکه این‌طور نبود که با صرف هزینه‌های فراوان و اموال کثیر، این کار را پیش برده باشند؛ بلکه می‌توان گفت که با کمترین هزینه و با صرفه‌جویی بسیار و کمترین

مؤونه و بیشترین معونه، امور مذکور پیش برده می‌شد.

یکی دیگر از خصوصیات آثار مرحوم آیت الله لاری این است که بیشتر مخاطبانش از طبقه جوان کشورهای دیگر است. آثارش ویژه افراد مسن و پیرمردها نیست. تأثیرگذاری روی جوانان بیشتر است و بیشتر مخاطبین ایشان هم جوانان‌اند و بیشتر مخاطبانش غیر فارس و عرب هستند. یک وقت که خدمتشان رسیدم یکی از آثارشان را خدمت بنده دادند و گفتند فارسی آن هنوز چاپ نشده است؛ به زبان‌های دیگر چاپ شده است ولی به فارسی چاپ نشده است. یعنی قبل از اینکه آثار وی به فارسی چاپ شود به زبان‌های دیگر چاپ می‌شد و منتشر می‌شد به خاطر مخاطبان فراوانی که به زبان‌های خارجی داشت و بزرگانی مثل حامد الگار و ویلیام چیتیک که مترجم و مروج آثار ایشان و مروج آثار ایشان بودند و خود اسم ایشان تأثیر می‌گذاشت در نشر آثار ایشان و علاقه‌مندی شدیدی که نسبت به این بزرگوار داشتند. من الآن بعضی از دغدغه‌های ایشان را از متن صحبت‌های خودشان از این کتاب بسیار خوب به اسم «خلوص کامیاب» که در زمان حیات ایشان منتشر شد می‌خوانم که ببینید چه دغدغه‌های متعالی داشته‌اند.

یکی از نکاتی که داشته‌اند و در مورد آن نوشته‌اند این است که: «نگران مؤاخذه الهی هستم. نگران از این که ما در قم و در بین این همه نعمت‌های الهی و معرفتی باشیم، اما در این عصر، آن هم عصر ارتباطات با وسایل ارتباط جمعی، آن هم سریع و داشتن مراکزی

مانند سفارت‌خانه‌ها و دفاتر فرهنگی با این همه؛ بعضی از کشورهای جهان، هنوز هم ندای توحید شاید به گوششان نرسیده باشد. مردمانی که نه قرآن را دیده‌اند و نه نام پیامبر اکرم (ص) به گوششان رسیده است و نه قبلاً یکی از ادیان الهی لااقل با آنان از توحید سخن گفته باشند، مثل برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا؛ کشورهای چون کامبوج، لائوس، ویتنام که هیچ پیوندی با معارف الهی از طریق انبیای الهی ندارند. حالا اگر مردمان این سرزمین مسلمان هم نشدند نشوند؛ اقلأ بدانند خدایی هست و خدای توحیدی را بشناسند و از این بت‌پرستی دست بردارند. این‌ها مستضعف فکری هستند و تفاوت دارند با سایر ملل.» این یک محور که بسیار مورد توجه ایشان بود که شاید برخی به آن توجهی نداشته باشند.

نکته دیگری که مد نظر ایشان بود و از خصوصیات آثار ایشان بود ساده نویسی است. ما ساده نویسی را با سست نویسی نباید اشتباه کنیم. آنچه مذموم است سست نویسی است؛ وگرنه ساده نویسی (یعنی مفاهیم بلند دینی را با عبارات همه‌کس‌فهم، عرضه کردن) هنر است و هرکسی این هنر را ندارد و فرموده‌اند ساده‌نویسی عیب نیست؛ بلکه هنر است. ما باید آثارمان را ساده بنویسیم تا همه بفهمند؛ نه الفاظ درشتی که کسی نفهمد. سپس اشاره می‌کند به مرحوم علامه مجلسی که با اینکه آثاری مثل بحارالأنوار و مرآة القلوب دارد، آثار فارسی روان هم برای عموم مردم دارد مثل حلیة المتقین، جلاء العیون، عین‌الحیة و ...

... نباید جامعه را محروم کرد؛ وظیفه یک طلبه انجام رسالتی است که بر عهده اوست. نکته دیگری که ایشان خیلی تأکید داشتند و عملاً هم آثارشان همینطور بود این بود که فرمودند: نهضت ترجمه باید راه‌اندازی شود و این نهضت ضروری است و ما چقدر غفلت کرده‌ایم که آثار مهمان به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه نشده است و به دست کسی نرسیده است. بعد در ترجمه هم این نکته‌ای که اول عرائض مطرح کردم مهم است که مترجم، تسلط کامل به زبان مبدأ و مقصد و به آن متن و علم مورد ترجمه داشته باشد. به راستی هرکس صلاحیت آن را ندارد که قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را به زبان‌های دیگر ترجمه کند. سپس اشاره کردند که بعضی از کتاب‌ها اصلاً نباید ترجمه شود و بعضی از کتب، متناسب با فرهنگ مخاطب نیست.

و این نکات، مدنظر این بزرگوار بوده و یکی از علل تأثیرگذاری آثارش همین نکته‌هاست و می‌شود گفت که ایشان مصداق این آیه شریفه هستند که: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا طَبِيَّةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ قَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تَوْتَى أَكْطَافِهَا كُلِّ حِينٍ بَأْذَنِ رَبِّهَا» البته آن نکته‌ای را هم که فرمودید، ایشان کتبی را که نوشته‌اند شما ببینید که قابل نشر در همه جای عالم است و هیچ محدودیتی ندارد و تعصب و نکته‌ای که در عین حالی که مَرِّ حَقِّ را بیان کرده و هیچ جا چشم‌پوشی از حق نکرده‌اند ولی لحن، بیان و قلمشان طوری نیست که یکجا کتاب ممنوع ورود شود و به فرهنگ برخی بر بخورد.



## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر دکتر عبدالحسین طالعی

دکتر طالعی، نویسنده، پژوهشگر و سردبیر مجله کتاب شیعه در گفتگو با مرکز استبصار درباره شخصیت مرحوم آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری نکاتی را بیان کرد. بخش‌هایی از گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

«مرحوم لاری چند ویژگی داشت؛ یکی اینکه عالمانه نشست و تحقیق کرد که چه کند. این تحقیقش هم منحصر به کتاب نبود؛ کتاب بود و صحنه میدانی. آن سفر آلمان چه نقطه عطفی بود در سال ۴۰ در این زندگی که آن خودش نکته مهمی است و با توجه که در آن زمان کمتر بودند از علمای حوزوی که اروپا را از نزدیک دیده باشند و واقعاً محدود بودند. خب؛ ایشان اروپا را از نزدیک اما متفکرانه دید و به صورت نقادانه نگرینست؛ هم نقادی نسبت به جامعه اروپا و هم نقادی نسبت به دیدگاه عموم روحانیون ایرانی نسبت به فضای اروپا؛ یعنی نقادی دو طرفه بدین صورت که می‌نشست و قضاوت خوبی و بدی را می‌کرد که در سیمای تمدن غرب توضیحاتی در این زمینه داده شده است. این مسئله خودش فرج خیری شد که ایشان راه خود را پیدا کند. پس از اینکه مقدماتی از لحاظ دروس را پیش رفته، راه خود را پیدا کند که در چه مسیری پیش رود.

دیگر آنکه آقای لاری شهوت شهرت را در خودش سرکوب کرده بود. لذا حرف که می‌زد نکات نابی می‌گفت. شما این جمله ناب آقای

بیشترین تأثیرگذاری را دارد و راه تبلیغ هم همین است و می‌شود گفت بهترین نشر تشیع و مکتب تشیع بدون اینکه تأکید کنیم بر اینکه ما می‌خواهیم مکتب تشیع را بر سایر مکاتب، غلبه دهیم.

از خصوصیات شخصی و اخلاقی‌شان هم اگر خاطر شریفتان هست بفرمایید ممنون می‌شویم.

بله چیزی که در وجود ایشان جلوه داشت تواضع علمی و عملی، سادگی و بی‌پیرایگی و بی‌تکلفی و دوری از هیاهو و سروصدا بود. جهانی که بنشسته در گوشه‌ای (ایشان مصداقش بود).



ایشان در یکی از خاطراتشان فرموده‌اند که یک جوان وهابی آمد و شروع کرد که: این عقیده شما که تکریم مرده و ... باطل است. اما ایشان با یک بیانی او را قانع کرد و به او گفته است که «مردم از یک بزرگی تکریم می‌کنند و این کسی که از دنیا رفته است تکریم او چه اشکالی دارد؟ و باعث می‌شود که به افکار و اندیشه‌های آن بزرگ، همه اقتدا کنند و ترویج شود. این حرف شما که می‌گویید رفتن سر قبر میت، شرک است یعنی چه؟» با یک بیانی یک وهابی را به راه آورده است. هنر اینکه بداند با چه کسی چگونه برخورد کند و چگونه به راه بیاورد را داشته است.

ایشان عمر، انرژی و همت را برای ترویج گذاشت و لازمه ترویج، ساده نویسی است و قلمبه نویسی و قلمبه گویی با مردم نتیجه نمی‌دهد. کتاب‌هایش هم همین است. انسان می‌خواند و می‌بیند که ساده است؛ اما حرف دارد. ساده است اما عمیق است. کل عمر آقای لاری پنج الی شش عنوان شد و السلام. اما ترویج این‌ها در جاهای مختلف و پیگیری اینکه این‌ها بر افراد چه تأثیری گذاشته است. این پیگیری‌ها کم نبود و لذا شخصیت‌هایی که جذب شدند نیز کم نبودند. چون تبلیغاتی در مورد ایشان انجام نشد زیرا ایشان نه در قید حیات و نه بعد از فوت ایشان علاقه‌ای به تبلیغات نداشتند.

بالآخره خداوند ایشان را رحمت کند و با اجدادش محشور کند و امیدوارم که راه ایشان هم شناسایی شود و هم جدی گرفته شود و هم مثل خودش جلو برود و بهتر از او هم عمل بیاید. بالاتر از همه امیدواریم که این قطره‌ها یا شب‌نم‌های این علوم و دانش‌ها به آن سرچشمه جوشان العلم المسبوق متصل شود که دیگر حرف آخر و منتهی الآمال ماست. و صلی الله علی محمد و آله الطاهربین.

لاری را فکر کنید که کجا باید و تا چه حدی بایستی این را سر در همه جا بنویسند که ایشان می‌گفت مشکل ما توحید است. مگر ما موحد نیستیم؟ مسلمانیم و می‌گوییم لا اله الا الله. خیر؛ قرآن می‌فرماید که «وما یؤمن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون» بیشتر این مؤمن‌ها مشرک‌اند و مشکل، توحید است. ببینید که این مشکل توحید ما چقدر نکته فوق العاده‌ای است؟! یعنی برگرد و توحیدت را بازنگری کن که چه مشکلی دارد و چه گیری دارد که مشکلات فلان بحث فرعی دسته دهم شده است.



## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر آیت‌الله حسین غیب غلامی



آیت‌الله حسین غیب غلامی از اساتید حوزه علمیه قم، در گفتگو با بنیاد استبصار پیرامون مسائل مختلف در زمینه عقاید اسلامی نکات ارزنده‌ای را مطرح کردند. بخش‌هایی از این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

همایش بیدارگران هدفش این است که هم ارزش ورود شخصیت‌ها در این عرصه و گذاشتن عمرشان در این مسیر را تبیین کند که چه ارزشی داشته و هم به صورت خاص در هر مرحله از یکی از شخصیت‌ها تقدیر و بزرگداشت به عمل آید که طبیعتاً سبک آن آقا و آن شخصیت هم مطرح شود و الگوسازی شود برای طلاب. چهارمین همایش بیدارگران اختصاص دارد به مرحوم موسوی لاری؛ ایشان سبک خاصی را داشتند برای تبلیغ، طبیعتاً موفقیت‌هایی داشتند با اینکه خصلتشان گوشه‌گیری و عزلت بوده در عین حال توفیقاتی هم داشتند اگر لطف بفرمایید درباره

اصل این جریان استبصار و هدایتگری و به صورت خاص اگر از مرحوم لاری یا از آثارشان نقطه نظری در خاطر شریفتان هست بفرمایید .

مرحوم آیت‌الله سید مجتبی لاری رضوان‌الله علیه از نوادگان مرحوم سید عبدالحسین لاری و از بزرگان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم منشأ خدمات و آثار و برکاتی بودند مرد مهذب‌ی بود ، فهمیده بود که چه کار باید کرد برای این فهم خودش برای این درک خودش زحمات فراوانی کشید و الحمد للّه نتایج و ثمرات بسیار عالی در دنیای اسلام ما امروز شاهد هستیم آیه‌ی قرآن این چنین بیان می‌کند: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» در یک آیه چهار بار اسم خداوند متعال آمده سه مرتبه به اسم ظاهر الله جل جلاله یک اسم به عنوان ضمیر بیان کرده که کسانی که رسالت خداوند متعال را می‌رسانند به دست مردم و از هیچ چیزی غیر از خدا نمی‌ترسند. خداوند متعال می‌فرماید: «كفَىٰ لَهُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» این کفای سنگ و معیارش همان «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یعنی وزانش وزان پیغمبر و علی است کسی که موفق شود به تبلیغ دین وزانش وزان پیغمبر و امام است و خوشا به حال کسانی که می‌فهمند و در این مسیر موفق می‌شوند. این‌ها پرونده‌شان فقط به دست خداست و او کفایت می‌کند ساده نیست ولی افرادی که ولو معدود هستند در بین مبلغین آن‌هایی که صاحب‌نفس و صاحب اثر بودند توانستند در این راه قدم بردارند.

امیرالمومنین (ع) وقتی که به طرف یمن می‌رفت

پیغمبر فرمود: «یا علی لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ أَحَدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتِ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» خب شما هر مبلغی از مبالغ دنیوی را بگیرید حد و حصری دارد ولی آنچه که حد و حصر ندارد به مقیاس نمی آید به ترازو نمی آید و در محاسبات نمی‌گنجد از آثار دنیوی آن است که خورشید بر او بتابد؟ اصلا قابل احصا نیست.

الان در جامعه المصطفی اغلب افرادی که آمدند، به واسطه‌ی قلم ایشان [مرحوم موسوی لاری] بوده که درباره معارف اهل بیت که مردم تشنه آن هستند، کتاب نوشته و در دنیا منتشر کرده است. انسان فطرتی دارد و باید آن فطرت را تقویت کرد. متاسفانه دنیای امروز این تاریکی را دارد و اگر عالمی پیدا بشود، اگر صاحب نفسی پیدا بشود و حرف بزند اینجور نخواهد ماند. یه وقتی به ما می‌گفتند راجع به شیعه و سنی حرف نزنید که موجب اختلاف میشود. الان هم شاید افرادی باشند که همین حرفها را می‌زنند. در حالیکه اتفاقا همین مباحث را به دور از جار و جنجال و تحریک عواطف و احساسات و تعصبات به لسان مدرسه‌ای می‌شود به بزرگترین علمای آنان تفهیم کرد.

عالمی بود در همین مدرسه‌های اهل سنت، که مدرس [کتاب] بخاری بود گفت من باید بیایم قم بخاری را پیش شما بخوانم. در همین عربستان امروز یک آتشی زیر خاکستر هست جوان‌هایی که اینها اگر فرصتی پیدا بکنند تمام وهابیت را قلع و قمع می‌کند دنبال فرصتی می‌گردند؛ اینها پایان‌نامه‌هایی که در دانشگاه می‌نویسند نقد بخاری می‌کنند ممنوع بود زمان‌های سابق پنجاه سال پیش معروف بود که «من تکلم فی البخاری تزندق» کسی یک کلمه

کلمه علیه بخاری حرف بزند. خود ما روایت بخاری را خواندیم دست ما را گرفتند که تناقض السنة که تو ضد سنتی. بابا من روایت دارم می‌خوانم.

در بقیع همان تابلوهایی که دارند آنجا لا تجلسوا علی القبور نوشتند روی قبرها ننشینید که روایت بخاری مسلم کذا و کذا به زبان فارسی عربی انگلیسی اردو تابلوها در بقیع چنین است. من هی خیره شدم خیره شدم به این تابلوها می‌خواندم. رئیس امر به معروف آمد رد شد و مثلا تشر می‌زد که حرکت کنید و بروید. گاهی هم به مردها می‌گویند یاالا خانم. مثلا جسارت می‌کنند به آقایان می‌گویند خانم؛ دستش را گرفتم گفتم اینجا چه نوشته روایت امام بخاری لا تجلسوا علی القبور. گفتم که در صحیح بخاری دارد که ابن عمر عبداللہ بن عمر کان یجلس علی القبور. تا این را گفتم دست مرا گرفت. دستش را زدم که یاالا دستت را بینداز جواب من را بده. من می‌گویم در صحیح بخاری دارد که ابن عمر یجلس علی القبور. او هم یاالا انت تناقض السنة یاالا الی تحت.

پایین بقیع زندان است. گفتم برویم من هم از خدا خواسته رفتیم آنجا و ما را نشانند روی یک صندلی و خودش رفت داخل اتاق. دیدم شیخی آمد از این چفیه قرمزها هیکلی داشت. از همان در که بیرون آمد با دست آمد به طرف من ما تقول فی البخاری فی ای الکتاب؟ گفتم دارم حرف می‌زنم. با سند برایش خواندم در بخاری کان ابن عمر یجلس علی القبور. شیخ رفت با چهار نفر دیگر برگشت. برای آن‌ها هم روایت را خواندم.

گفتم که لا تجلس علی القبور فی الشرح الروایة لا تجلس علی القبور للتخلی لا للاستراحة کان عایشه یجلس علی قبر اخیه عبدالرحمن. عایشه رفت در

## ویژگی‌های مرحوم لاری در بیان فرزندانشان حجت الاسلام سید عماد موسوی لاری

حجت‌الاسلام سید عماد موسوی لاری فرزند گرامی مرحوم آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری در گفتگویی با مرکز استبصار پیرامون شخصیت و روش تبلیغی آن بزرگوار نکاتی را بیان کردند. بخش‌هایی از این مصاحبه در ادامه آمده است.

در محضر جناب حجت‌الاسلام سید عماد موسوی لاری هستیم. تشکر می‌کنیم از استاد که وقتشان را در اختیار ما قرار دادند و خواهش می‌کنیم که ایشان مطالبی را درباره سیره علمی و عملی مرحوم والدشان (حضرت آیت‌الله موسوی لاری) و همچنین تلاش ایشان در راستای نشر معارف اهل بیت در اقصی نقاط جهان به ما بفرمایند.

عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما عزیزان بزرگوار. قبول زحمت فرمودید از این مؤسسه تشریف آوردید. [آن هم] برای برگزاری این جلسات و نکوداشت علمای جلیل‌القدری که در پاسداری و پاسداشت از معارف ناب اسلامی و مکتب تشیع زحمت‌ها کشیدند و خون دل‌ها خوردند و آثار فاخری را به جامعه اسلامی هدیه کردند. ان‌شاء‌الله که این آثار فاخر، قرن‌ها و مدت‌های متمادی مورد استفاده محققین و پژوهشگران اسلامی و حتی غیر اسلامی قرار بگیرد و عزیزی که در صدد یافتن حقیقت اسلام هستند بتوانند به این آثار مراجعه کرده

کنار قبر برادرش سایه‌بان درست کرد نشست کنار قبرش استراحت می‌کرد. ابن حجر در شرح روایی یقول کان للتخلی ننشینید روی قبرها نجاست بکنید، نه اینکه استراحت نکنید. دوباره همه رفتند بعد دیدم یکیشان آمد یالا برو. ما را بیرون کرد. غرض اینکه این معارف را اگر به اهلش به این جوان‌ها برسانی چقدر برای اینها روشنایی دارد و چقدر استقبال می‌کنند. همین شیخ ابراهیم زکزاکی که اینجا بود از رفقای ما این وقتی که رفت در نیجریه می‌دانید که میلیون‌ها نفر از این استقبال کردند شوخی نیست یک مبلغ برود میلیون‌ها نفر را دنبال خودش هدایت کند. مردم تشنه‌ی معارفند. اینکه کتاب‌ها در بلاد دور افتاده دست مردم می‌رسد، واقعا امثال مرحوم آقای لاری فهمید و خوب هم کار کرد. البته چون لارستان مهد تشیع است و این‌ها عرق ولایتشان قوی است و امکانات مالی هم الحمدلله داشت محتاج نبود. امکاناتی که خداوند متعال در اختیارش گذاشته بود بی‌صدا هیچ‌کس متوجه نمی‌شد همسایه‌ی ما بود در همین مسجد آبشار اینجا می‌نشست و محل کارش اینجا بود. ولی حتی همسایه‌ها هم متوجه نمی‌شدند ایشان دارد این کار را می‌کند. خدا ان شالله با اجداد طاهرینش محشورش کند که خدمات بسیار عالی در دنیا داشته است. با همین کتابهای معدودی هم که نوشته کار خودش را کرده است و این اعترافی است که خیلی از مستبصرین دارند که یکی از کتاب‌ها و یکی از اسباب هدایتشان را کتاب‌های سید مجتبی لاری می‌دانند.



و معارف اصیل اسلامی را با یک بینش عمیق، به درستی درک کنند.

مرحوم ابوی حقیر، علامه عظیم الشان، آقا سید مجتبی موسوی لاری، در سال ۱۳۱۴ در لارستان در یک خانواده فاضل روحانی و اصیل متولد شدند. ابوی ایشان، حضرت آیت‌الله آقا سید علی‌اصغر لاری از چهره‌های درخشان و ارزنده تاریخ لارستان هستند. با توجه به اینکه عمر بسیار کوتاهی داشتند (حدود ۵۲ سال) اما خدمات ارزنده اجتماعی و علمی ایشان، واقعاً برکت عمر را به انسان یادآوری می‌کند که در حقیقت هم، اگر طول عمر نداشتند ولی عرض عمر بابرکتی داشتند؛ مرحوم آیت‌الله آقا سید مجتبی موسوی لاری از لحاظ منش تربیتی زیر نظر ابوی بزرگوارشان تربیت شدند. سال‌های ابتدایی کودکی و نوجوانی و وارد درس حوزوی شدند و بعضی از درس ابتدایی حوزوی مثل ادبیات عرب را در محضر ابوی بزرگوارشان آموختند و بعد، برای ادامه تحصیل به قم آمدند.

در قم هم از محضر اساتید و علمای بزرگوار مثل مرحوم امام و آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله اراکی و بقیه علما و بزرگواران بهره‌مند شدند. اما روح تشنه ایشان نسبت به نشر معارف حقّه اسلامی ایشان را در چارچوب خاصی منحصر نکرد که صرفاً در قم بمانند و فقه و اصول را ادامه بدهند. معتقد بودند که آن پیکره جامعه اسلامی یک نیاز اصیل دارد و این نیازها اعم از نیازهای روحی و معنوی، پاسخش در متن معارف اسلامی هست. اما باید این‌ها

استخراج شود و با زبان مردم و مخاطبین به بدنه جامعه راه پیدا کند و گسترش یابد که مردم از این معارف زلال اسلامی سیراب شوند. این بود که البته ایشان به خاطر مشکل بیماری که از نوجوانی داشتند (یکی از اساتید بزرگوار از علمای جلیل القدر، تعبیر خوبی داشتند که رفیق و انیس همیشگی ایشان بیماری بود) و این بیماری از نوجوانی همراه ایشان بود تا آخر عمر شریفشان. به‌خاطر این مسئله بیماری مصمم شدند که چند سفر خارج از کشور بروند.

این سفرهای خارج از کشور، افق دید ایشان را نسبت به شناخت جوامع بین‌الملل نسبت به مسائل اسلامی و مسائل دینی، عمق خاصی

بخشید و باعث شد که این چند کشور اروپایی که ایشان رفتند به انگلستان و آلمان و آمریکا برای بحث درمان و استعلاجی که داشتند باعث شد که آنجا با مستشرقین و بزرگان دانشگاهی و پژوهشگران خارج از کشور، ملاقات‌هایی داشته باشند و بحث‌های علمی را دنبال کنند. همین موضوع جرقه‌ای را به ذهن ایشان زد که جوامع بین‌المللی با وجود اینکه از لحاظ علمی و علوم تجربی شاید غنی شده و پیشرفت‌های خیلی خوبی را داشته و الآن هم دارد؛ ولی باز روح تشنه انسان نسبت به معنویات و ماوراء این عالم ماده و فیزیکی یک متافیزیک و ماوراء فیزیکی نیاز دارد که بخواهد انسان را از لحاظ روحی ارتقا دهد و این در قالب دین و ادیان برای بشر، تعریف شده است. همین باعث شد ایشان بعد از مراجعت به ایران دستاورد سفرشان را به رشته تحریر در بیاورد و بشود مقایسه بین تمدن اسلامی و تمدن غربی (اسلام و سیمای تمدن غرب). در آنجا ایشان با مستندات خود کتاب‌های غربی، دست برتر اسلامی و اصالت تمدن اسلامی را ثابت می‌کنند که راه نجات انسان و برگشت انسان به اسلام و معنویات و به سرچشمه معنویات که پروردگار و توحید باشد هست.

ایشان این کتاب را در انگلستان به رشته تحریر درآوردند. همانجا سه بار چاپ شد و در همان مدت زمان کوتاهی که ایشان در انگلستان مستقر بود (در بیمارستان) و کارهای درمان را پیگیری می‌کردند این کتاب به سه زبان ترجمه شد. با وجود اینکه ایشان به شکل نقادانه، تمدن غربی را محکوم کرده بودند متنها چون مستند و منطقی بود و بیان شیوایی داشت خیلی مورد استقبال

قرار گرفت. همین باعث شد که انگیزه ایشان برای اینکه بقیه معارف اسلامی را با توجه به نیاز جامعه بین‌المللی به شناخت حقیقت اسلام دارد، به رشته تحریر درآورند.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مجله‌ای بود به نام مکتب اسلام که از علمای بزرگوار مثل حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و حضرت آیت‌الله سبحانی و بقیه علمای جلیل‌القدر - که شاید بعضی از این علمای بزرگوار به رحمت خدا رفته باشند - آن را اداره می‌کردند و مطالب اسلامی در آنجا چاپ می‌شد. مرحوم والد ما هم یک سری مطالب اخلاقی در خصوص اخلاق اسلامی در مجله مکتب اسلام می‌نوشتند و چاپ می‌شد و همین جمع‌آوری مطالب اخلاقی اسلامی، کتاب «بررسی مشکلات اخلاقی و روانی» شد. این هم کتاب اثر دوم ایشان بود و سپس، بقیه آثار ایشان که یک دوره مبانی اعتقادات اسلامی هست و بحث توحید، نبوت، امامت و معاد هست. راجع به این اصول اعتقادات اسلامی هم ایشان آثاری را به رشته تحریر آوردند و نوشتند. همت خستگی‌ناپذیر و تلاش ایشان و لطف و عنایت خاصی که پروردگار متعال، نسبت به گسترش معارف اسلامی با دست ایشان داشتند، باعث شد که آثار ایشان تا الآن به بیش از سی زبان ترجمه شود و به اقصی نقاط دنیا رفته و مردم از کتب و مطالب ایشان استفاده کرده و مسلمان شدند و به حقیقت، راه یافتند.

نکاتی را اگر بخواهیم به شکل مختصر در خصوص سیره عملی ایشان در این بحث نشر مطالب و معارف اسلامی عرض کنیم،

نکته اول را لابلای بحث، خدمتتان اشاره کردم که بحث همت بلند ایشان بود که خودش را در چارچوب یک شهر مثل لارستان، محصور نمی‌دید و معتقد بود که ظرفیت انسان، خصوصاً یک عالم دینی خیلی بیش از این‌هاست و باید خدمات گسترده‌تر و شایع‌تری داشته باشد.


نکته دومی که ایشان در آثارشان داشتند بیان خیلی شیوا و منطقی با یک چیرگی علمی بود که آثار ایشان را یک آثار خاص و ارزنده‌ای می‌کرد که بیانشان یک بیان شیوا و شیوه نگارششان یک شیوه دلنشینی بود و یک چیرگی علمی و منطقی نسبت به مباحث داشتند. هیچ‌وقت ایشان به‌دنبال مباحث اختلافی بین مذاهب اسلامی نبودند و اصل اسلام، مدنظرشان بود که معرفی کنند. خود این باعث می‌شد که مخاطبین از سراسر دنیا با هر مذهبی، حتی غیر مسلمان‌ها به آثار ایشان جذب شوند.

نکته سومی که در شیوه و سیره عملی ایشان می‌بینیم آن تلاش خستگی‌ناپذیر ایشان بود که در حقیقت، یک انیس و رفیق همیشگی که بیماری بود و با ایشان همراه بود ولی باعث نشد که ذره‌ای خستگی در وجود ایشان احساس شود. حتی روزهای آخر که روی تخت بیمارستان بودند و توفیق خدمت‌گزاری ایشان را داشتیم هرچند که قصور هم زیاد داشتیم اما ایشان روی تخت بیمارستان که چند روزی (حدود ۴ الی ۵ روز) به فوت ایشان مانده بود، دیگر حالی نداشتند با همین دست لوزان، دستور چاپ چند کتاب را دادند که ما به قم برگردیم و این کتب را چاپ کرده و به خارج از کشور ارسال کنیم. یعنی این بیماری

\_ خصوصاً این دو سه سال آخر عمر ایشان که بیماری شدت یافته بود و نحیف‌تر شده بودند\_ لحظه‌ای باعث نشد که ذره‌ای از راهی که رفته بود کوتاه بیاید و خستگی در چهره و کار ایشان به هیچ‌وجه معنا نداشت. این تلاش خستگی‌ناپذیر ایشان بود که ثمرات ایشان در زمان حیات و حتی ممات ایشان هم کاملاً آشکار و واضح است.


نکته چهارم به نظر بنده حقیر، آن اخلاص ایشان بود که ایشان خود را وقف اسلام و مکتب تشیع کرد. یعنی اینکه یک عالم دینی تمام سرمایه و داشته‌های علمی، معنوی و روحی خودش را وقف خدا و دین خدا و مکتب تشیع کند، قطعاً پروردگار هم گسترش و ماندگاری آثار ایشان را تضمین می‌کند و اخلاص را خود پروردگار می‌دهد. تأثیر در این آثار و کلمات را خود پروردگار می‌دهد. یک روحیه خیلی خاص ایشان که در بُعد اجتماعی خیلی در ایشان نمود داشت موضوع توحید ایشان بود که به شکل عجیب، روحیه وحدانیت سطح بالایی داشتند و همه چیز را در خدا و برای خدا می‌دیدند و با خودشان همیشه می‌گفتند که سعی کنیم در مسیر رضایت الهی گام برداریم. حتی ایشان در بحث همین بیماری‌شان به خود بنده (در آن زمانی که چند سال به فوت ایشان مانده بود و حال ایشان به وخامت زیاد، نرسیده بود) می‌فرمودند که دوستان را - چه از مردم شریف لارستان و سایر عزیزان که برای احوال بررسی تماس گرفتند - با این جمله از پزشک و درمان و دکتر، متوجه خدا کند که از دکترها کاری بر نمی‌آید. دعا کنید که خدا تفضلی کند.





و معارفی خیلی دقیق و عمیق به آن زبان برگردان شود.

یکی از شخصیت‌های علمی و وزین آمریکایی، جناب پروفیسور حامد الگار که مترجم آثار انگلیسی ایشان هست (آن مبانی دوره اعتقادات: توحید، معاد، نبوت و موضوع امامت)، مرحوم والد آیت الله آقا سید مجتبی موسوی لاری تأکید داشتند که این مبانی اعتقادات را ایشان ترجمه کنند. تحقیق کرده بودند و دیده بودند که ایشان، استاد وزینی و مترجم بسیار قوی هستند که به چند زبان زنده دنیا مسلط بودند؛ من جمله فارسی. یعنی فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و انگلیسی هم که زبان مادری ایشان بود. پروفیسور الگار آثار ایشان را ترجمه کردند در زمینه توحید، معاد و نبوت.



یعنی ایشان در مسئله بیماری تا به این حد، انسان‌ها را در مسیر توحید و وحدانیت، سوق می‌دادند که همه چیز را خدا ببیند.

تشکر می‌کنیم از حضرت عالی مطالب جذابی را فرمودید. اشاراتی به سیره عملی هم داشتید. اگر خاطره‌ای در خاطر شریفتان هست درباره این مراودات مکتوب یا حضوری که ایشان با افرادی داشته‌اند که به مکتب اهل بیت و دین مبین اسلام گرایش پیدا کرده‌اند، هست بفرمایید.

بعد از تألیف آن مبانی اعتقادات اسلامی، خود ایشان یکی از روش‌های مدیریت این مؤسسه و نشر آثارشان این بود که به شدت تأکید داشتند که مترجم کتب باید بومی همان زبان باشد. می‌خواستند این اصطلاحات اعتقادی

امامت را ایشان ترجمه نمی‌کردند. گفتند این امامت با مبانی اعتقادی بنده، سازگار نیست. (چون ایشان از اهل تسنن بودند). ابوی بنده اصرار داشتند و نامه‌نگاری بین مرحوم والد و پروفیسور الگار بود که اگر شما این را ترجمه نمی‌کنید، یک استادی که در حد وزانت علمی شما باشد را بگویید ترجمه کند. ایشان قبول کردند که تحقیق کند و شخصیتی که واقعاً شخصیت وزین و مسلط به مباحث اسلامی، خصوصاً موضوع امامت باشد را یافته و ترجمه آن را به عهده او می‌گذارم.

مدتی گذشت و والد، خیلی صبر کردند و بعد از ماه مبارک رضانی بود که نامه پروفیسور الگار به دست ایشان رسید. در آن نامه به فارسی نیز نوشته بودند بعد از آن تعارفات اولیه و اظهار خرسندی از اینکه با مرحوم آیت‌الله موسوی لاری و آثار ایشان آشنا شدم و این توفیق بزرگی بود که آثار ایشان را ترجمه کنم از این رضانی که گذشت خودم را شیعه اثناعشری می‌دانم؛ به واسطه کتاب امامت ایشان. من هرچه موضوع امامت ایشان را می‌خواندم از لحاظ منطقی و علمی، بسیار متقن و قوی بود که جای شک و شبهه‌ای نبود و بعد از این ماه مبارک رضانی که گذشت در این رمضان، اعمال عبادی خود را بر طبق مذهب تشیع انجام دادم و آن سالی که این نامه را نوشتند تأکید پروفیسور الگار این بود که اینجا شاید برای آن کرسی استادی و علمی بنده مشکل‌ساز شود. کسی مطلع نشود که بنده شیعه شده‌ام؛ خود مرحوم والد، این قضیه را مکتوم نگاه داشتند. حالا چطور شد که بعد از

مدتی این قضیه برملا شد اتفاقاً باعث خیر و برکتی نیز شد که به حدی وزانت علمی ایشان بالا بود و دانشجویان و حتی اساتید می‌دیدند و می‌گفتند که ایشان اگر شیعه شده است دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و حتماً این مکتب و این راه، حق و حقیقت است. خیلی‌ها به اعتبار پروفیسور الگار مسلمان و شیعه شدند. این یک نکته بود که خواستم خدمتتان عرض کنم و نکته دیگر هم خاطره برخی از دوستان بزرگوار از مبلغین عزیزی که خارج از کشور تشریف بردند است که خودشان برای مرحوم والد نقل کردند که ما به یکی از کشورهای آفریقایی رفتیم و هنگامی که به پایتخت رسیدیم در آنجا قرار شد که به شهرستان‌های اطراف اعزام شویم. به فلان شهرستان رفتیم و در آن مکان هم که مستقر شدیم گفتند که شما باید به فلان روستا بروید و نهایتاً رفتیم تا اینکه به یک روستای خیلی دور افتاده رسیدیم که خانوار بسیار کمی در آن سکونت داشتند و از امکانات زندگی اولیه هم محروم بودند. ما به آن مسیری که باید می‌رفتیم - که مقداری از آن روستا که



جمعیت داشتند تا آن حلقه آخر (روستای بسیار کم جمعیت و دور افتاده) نمی‌شد که با ماشین برویم و راه ماشین نبود و مجبور بودیم که با مرکب برویم - وقتی که به آنجا رسیدیم با آن هیبت طلبگی و روحانیت بودیم. در آنجا آن ساکنین منطقه، ما را که با این شکل و شمایل روحانیت که داشتیم تعجب کردند و پرسیدند که شما از کجا آمدید؟ این مبلغین گفتند که ما از ایران آمدیم و بحث تبلیغ دین اسلام را داریم. ساکنین آنجا حتی بعضی از امکانات اولیه مانند پوشش لباسی درستی نداشتند و خانه‌هایی چوبین درست کرده بودند. این ساکنین به مبلغین پاسخ می‌دهند که ما از ایران فقط یک نفر را می‌شناسیم و آن هم سید مجتبی موسوی لاری است و اگر برای تبلیغ اسلام آمده‌اید کتاب‌های ایشان زودتر از شما اینجا رسیده است. ما مسلمان و شیعه شدیم و نیازی به تبلیغ شما نیست. این خیلی خاطره جالبی بود و هنگامی که برای ابوی نقل می‌کردند به مزاح می‌گفتند که حالا یک فرقه برای ما درست نکنند به نام فرقه موسوی لاری که شیعه موسوی لاری هستیم. این هم خاطره‌ای بود که عرض کردم.

یک نکته این است که طبیعی است که مرحوم لاری زمان شناس بودند و مرحوم شرف‌الدین می‌گوید «لا ینتشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال». ایشان طبق زمانه خودشان اثبات کردند که تبلیغ حتی می‌تواند با امکانات زمانه‌ای که این روزگار هست ولو به صورت نامه نگاری و مکاتبه محقق بوده است. بعد، اواخر زندگی ایشان مثلاً قضیه اینترنت مطرح شد و دیدیم که مؤسسه شما یک سایت راه‌اندازی کرد که هم ارتباط با شخصیت‌های مستبصر و راه‌یافته بهتر شود و هم

و هم که هر که طالب آشنایی با آثار حاج آقا باشند راحت‌تر دسترسی داشته باشند. از دید شما طلاب این دوره با استفاده از الگوپذیری از این بزرگان و ابزارهای جدید، نوین و کارآمدی که پیش آمده است چقدر می‌توانند در این زمینه موفق باشند؟

نکته دقیقی را اشاره فرمودید. بله؛ قطعاً زمانی که ابتدای کار غالباً موضوع، نامه نگاری بود و زمانی که ایشان شروع به کار و این فعالیت بزرگ کردند. در این اواخر، بحث اینترنت، سایت و ایمیل فرستادن، مطرح شده بود ایشان هم از این امکانات استفاده کردند و الآن که این امکانات ارتباطات جمعی بسیار گسترده‌تر، به‌روزتر و راحت‌تر شده است و طلاب بزرگوار و عزیز ما هم حتماً با این مسائل آشنا هستند و استفاده می‌کنند. آن نکته‌ای که حائز اهمیت است همانطور که اشاره فرمودید بحث الگوپردازی و الگوپذیری از این شخصیت‌هاست. یعنی این امکانات در دسترس همه و به روز است و همه استفاده می‌کنند؛ اما موضوع مهم‌تر، محتوا است. یعنی محتوا و روش فعالیت و الگوپذیری را باید از این شخصیت‌های بزرگ و عظیم الشانی مثل آیت‌الله موسوی لاری اقتباس کنیم و در قالب این امکانات جدید بیاوریم و ببینیم که ایشان چگونه نیازسنجی کرده است و چطور مشکل جوامع اسلامی را تشخیص داده است. الآن هم ما طبق همان روش، اول نیاز جامعه اسلامی را تشخیص دهیم و طبق آن تشخیص درمان کنیم و بخواهیم طبق این تشخیصی که دادیم و تشخیص درست و عمیقی باشد مطالب و محتوا را در قالب این امکانات به روز به جامعه عرضه کنیم که همه بتوانند استفاده کنند.

## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر حجت الاسلام حسین جلالی

حجت‌الاسلام حسین جلالی نماینده مردم کرمان در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با بنیاد استیصار درباره مرحوم آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری گفتگو داشته اند.

ایشان با اشاره به اینکه نزدیکی به آیت‌الله مصباح یزدی موجب شناخت وی از مرحوم لاری بود گفت: «شناخت من از آقای موسوی لاری وقتی شروع شد که در دفتر، حضرت آیت‌الله علامه مصباح یزدی خیلی ذکر خیر ایشان را می‌کرد و گاهی می‌فرمودند که می‌خواهم خدمت ایشان برسم و از خاطرات ایشان و عشق به دیدار ایشان یاد می‌کردند. برایم بسیار جالب بود که حضرت آیت‌الله مصباح یزدی که با خیلی از بزرگان و شخصیت‌ها بودند این قدر به جلوس و همنشینی با آیت‌الله موسوی لاری علاقه داشتند.»

حجت‌الاسلام جلالی با اشاره به سختی کار مرحوم لاری در عرصه تبلیغ دین، گفت: ایشان تنها با دو دفتر کوچک در قم و لار توانست اینقدر در جهان اسلام مؤثر باشد؛ نه در جهان اسلام؛ بلکه چهل هزار نامه آمده بود که یا مسلمان شده بودند؛ یا به دین مبین اسلام علاقه‌مند شده بودند؛ اعم از سیاسیون بزرگ هند، انگلستان و کشورهای اروپایی و ... این واقعاً معجزه بود.»

او همچنین با اشاره به ماجرای مسلمان شدن پروفیسور حامد الگار، بیان داشت: «هنگامی که پروفیسور الگار خواست کتاب ولایت ایشان را ترجمه کند گفت من (به محتوای کتاب) اعتقاد

ندارم و چیزی را که اعتقاد نداشته باشم انجام نمی‌دهم. ایشان گفتند شما بخوانید؛ مگر حقیقت‌طلب نیستید؟! اگر حق بود می‌پذیرید و اگر نبود رها می‌کنید. وقتی حامد الگار کتاب را گرفت و دو یا سه مرتبه خواند گفت که من تازه فهمیدم اسلام چیست و چه معارف نابی دارد و شیعه شد.»

نماینده مردم کرمان همچنین با اشاره به نسبت وحدت با تبلیغ معارف اهل بیت گفت: «آقای لاری یکی از منادیان وحدت و تقریب مذاهب بودند. کسانی که کتاب ایشان را می‌خواندند (همه

ایشان که شیعه نبودند) یا اهل تسنن بودند یا حتی سایر ادیان بودند. این‌ها وقتی معارف



## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری در سخنان آیت‌الله اعرافی

من در این فرصت کوتاه، اشاره‌ای به یکی از آیات اواخر سوره یوسف می‌کنم که از آیات مشهور است و می‌توان چهره نورانی حضرت آیت‌الله موسوی لاری را در این آیه شریفه نمایان دید. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

در این آیه، شش نکته است که با این بزرگداشت منطبق است. اولین نکته قُل است. در مسیر دعوت الی‌الله و فراخوانی جامعه و جهان به ارزش‌های والای الهی اولین نکته این است که پیشگامان این مسیر، اهل گفتن و گویایی و اعلام موضع روشن و شفاف باشند. خداوند به پیامبرش خطاب می‌کند که اعلام کن و بگو مسیر آینده و حرکت رو به رشد خود را به صراحت و با شفافیت اعلام کن. دومین کلمه این آیه، أَدْعُوا است. بگو و پای دعوت بایست. ماهیت حوزه‌های علمیه و هویت مراکز دینی، دعوت است. ما تمام اندوختن دانشمان و سیر و سلوک در مباحث معرفتی و اخلاقی و معنوی، تمامی این‌ها در حوزه باید وسیله‌ای و ابزار و مقدماتی شود برای نشستن در کرسی ارتباط با جامعه و فراخواندن بشریت به سوی پیام. یعنی هم اعلام کن و هم ماهیت رسالت و هویت حوزه‌ها در امتداد رسالت پیامبر خدا، هویت دعوتی و فراخوانی است و باید جامعه را فراخوانیم و حوزه‌ای که همه داشته‌ها

اهل‌بیت را می‌دیدند بسیار شیفته این معارف می‌شدند. لذا ایشان همینکه این معارف ناب را در جهان اسلام به افراد می‌رساند، خود این یک نوع داعی وحدت بود؛ یعنی جناب آقای لاری اعتقادشان بر این بود که اگر کسی امیرالمؤمنین را درست بشناسد خود این مسئله موجب شکل‌گیری وحدت می‌شود و تفرقه و جدایی غالباً محصول عدم دسترسی به معارف اهل‌بیت است. آقای لاری به عمق این مسئله پی برد که اگر بتوانیم معارف ناب را به دست مردم برسانیم این‌ها تشنگانی هستند که عطش حقیقت را دارند. آقای لاری به این معنا رسیده بود که اگر بتوانیم این علی و ولایت را معرفی کنیم این وحدت محقق می‌شود. بنابراین ایشان با این کارشان قصدشان در همین است که معارف اهل‌بیت ایجاد شود؛ (برخلاف آن‌هایی که فکر می‌کنند که اگر ما بخواهیم حقایق و معارف اهل‌بیت را بگوییم این خدای ناکرده دوگانگی ایجاد می‌کند اتفاقاً ایشان می‌گفت که معارف اهل‌بیت نقطه وحدت و یکی شدن است). لذا در همین خط مستقیم حرکت کرد و توانست خدمات ارزنده‌ای را داشته باشد.»

حجت‌الاسلام جلالی همچنین با قدردانی از دست‌اندرکاران همایش بیدارگران گفت: این که گمنامان این عرصه را شناسایی می‌کنید و به تصویر می‌کشید و به مردم معرفی می‌کنید، خدمت بزرگی به جهان اسلام است. معرفی چنین شخصیت‌های ارزنده‌ای باعث می‌شود خیلی‌ها در پرتو شناخت این افراد هدایت شوند و به معارف اهل‌بیت دسترسی یابند و این کاری ارزشمند است.

و سرمایه‌ها را داشته باشد اما در جایگاه فراخوانی دیگران و اثرگذاری در جامعه نباشد، این حوزه تام و کامل نیست. تفاوت عالم دینی، حوزه دینی و فرزندگان حوزه‌ها با سایر اشخاص و شخصیت‌ها همین است.

«قُل» اعلام واضح و شفاف و صریح مسیر و خط سیر آینده است. دوم، برقراری ارتباط با دیگران است و فراخواندن آنان به ارزش‌های بزرگ می‌باشد. نکته سوم، «الی الله» بودن این دعوت است. این اعلام موضع و این هویت دعوت، جز به سوی خدا به هیچ مقصدی دیگر نیست و نباید باشد.

نکته چهارم و کلمه چهارم «علی بصیره» است. این دعوتی خوب؛ نادانسته و غبارآلود نیست؛ بلکه دعوتی کاملاً با آگاهی، بینایی و بصیرت است. این بصیرت، هم شامل محتوایی می‌شود که باید به جامعه بشریت منتقل کرد و هم شامل روش‌ها و شیوه‌ها می‌شود.

بصیرت معنایش این است که حوزه برای اینکه در عرصه اثرگذاری جهانی، حضور یابد به خط مشی‌های روشن و اتخاذ تاکتیک‌های دقیق و صحیح نیاز دارد. بصیرت در محتوا، بصیرت در روش‌ها و شیوه‌ها، بصیرت در انتخاب ابزارها و تاکتیک‌ها برای ارتباط با جامعه. و سپس، پیامبر خدا در آغاز بعثت دارد اعلام می‌کند که «أنا و من اتبعنی». دعوت اسلام دعوتی است که دارای امتداد در همه زمان‌ها است.

در همه مکان‌ها و همه نسل‌ها. مسیر دعوت الی الله در یک نقطه‌ای از تاریخ، متوقف نمی‌شود. این مسیر ادامه می‌یابد و می‌رسد به حوزه قم و می‌رسد به یک فرزانه خالص و



نابی مثل آیت‌الله موسوی لاری که تمام وجود خود را برای انتشار این دعوت و اثرگذاری در یک مسیر و شعاع بین المللی وقف می‌کند و الگویی می‌شود برای همه طلاب. انقلاب اسلامی، در ذات خود، دعوت الی اللهی است که علی بصیره است و در یک شعاع جهانی باید اثر بگذارد. این همان گوهر نابی است که امام (ره) به درستی آن را کشف کرد و حوزه‌های دینی و علمی ما را احیا کرد. مقام معظم رهبری به درستی این مسیر نورانی را شناختند و تداوم بخشیدند. امروز که ما در گرامی‌داشت یک عالم بزرگ جمع شده‌ایم، خوب است که این درس‌ها و سیره این مرد بزرگ را فرا بگیریم.

«و سبحان الله و ما أنا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» آخرین

نکته این آیه این است که این دعوت، دعوتی یقیناً و عمیقاً خالص و توحیدی است. تمام آن حرکت توحیدی و منزّه از هرگونه شرک و آلودگی. پیامبران خدا و مجاهدان عرصه دین و دانش، خود را از همه آلودگی‌ها پاک کردند. این آیه شریفه که در حقیقت، خط مشی و هویت یک رسالت جهانی و دعوت عام الهی را بیان می‌کند همین آیه‌ای است که اباعبدالله الحسین هم در سفر کربلا خواندند تا نشان دهند حادثه بزرگ کربلا در آینه این آیه شریفه، تجلی پیدا می‌کند. به گمان من یکی از کسانی که در همین امتداد قرار گرفته است حضرت آیت الله موسوی لاری، این شخصیت بزرگ است. من در اینجا و در پایان عرایض نکات متعددی را در این شخصیت یافته‌ام و نگارش کرده و نوشته‌ام که از میان آن ده نکته، چند نکته را برمی‌شمارم.

اولین نکته اینکه انسان می‌تواند با کمترین امکانات و با عشق و اخلاص، بزرگترین کارها را انجام دهد. مگر می‌شود تصور کرد که در سی چهل سال، یک نفر بدون اینکه بودجه، امکانات و دفتر و دستکی داشته باشد بتواند در یک عرصه وسیع جهانی اثرگذار شود؟! این درس بزرگی است در زندگی ایشان.

دوم؛ اینکه ما در دعوت الی الله می‌توانیم دو نوع از این دعوت را متصور شویم، یک نوع دعوت‌ها و تبلیغ‌های تخصصی و خاص است که مخاطبان خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. اما یک دعوت عامی داریم که می‌شود در آنجا بر فطرت انسان‌ها و اصول مشترک آدمیان تکیه کرد و همه انسان‌ها را مورد

خطاب قرار داد.

این دعوت خاص نیاز به مقدمات فراوان تخصصی ندارد و نیاز به بسیاری از چیزهایی که ما خیال می‌کنیم ندارد. نوشته‌های حضرت آیت الله موسوی لاری، نوشته‌هایی آنقدر دقیق و در عین حال، گویا و روانی است که وجدان انسان‌ها را مخاطب قرار داده است. فطرت پاک آدمیان را مورد خطاب قرار داده است و این راهی است که حوزه‌ها دارند انتخاب می‌کنند.

درس سوم، عبور از همه حجاب‌هایی است که در برابر پیام انبیاء و رسالت اسلام قرار گرفته است؛ اعم از حجاب زبان، حجاب فرهنگ‌ها، ملیت‌ها، قومیت‌ها، نژادها، سیاست‌های گوناگون، تبلیغ‌های فراوان که این‌ها حجم وسیعی از این غبارها جلوی ذهن و ضمیر دنیا را گرفته است. دعوت الی الله می‌تواند بر همه این حجاب‌ها غالب شود. تمامی این غبارها را بزداید.

نکوداشت آیت‌الله موسوی لاری این پیام را به ما داده است که می‌توان در عرصه جهانی با ابزار کم، اما «علی بصیره» توفیق‌های بزرگی به دست آورد.

من از میان حدود ده نکته مهم، فکر کردم این دو سه نکته الهام بخش برای طلاب و اساتید و همه ماست. و من در پایان، به نمایندگی همه اساتید، طلاب و فضلا و همه حضار، مراتب ارادت و تجلیل را تقدیم این عالم بزرگوار و فرزانه عظیم الشأن می‌کنیم و انشاءالله همه ما بتوانیم راه این فرزانه بزرگ را ادامه دهیم.

## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری در سخنان دکتر علی لاریجانی

عرض سلام و ادب و احترام دارم. یک کمبودی در حوزه علمیه قم مشاهده می‌شد و آن قدردانی از چهره‌های ماندگار حوزه بود. وقتی به من گفتند که برای پاسداشت خدمات ارزنده حضرت آیت‌الله موسوی لاری، چنین جلسه‌ای هست من به دو دلیل با اشتیاق، آن را پذیرفتم؛ هم به خاطر شخصیت مبرّز حضرت آیت‌الله موسوی لاری و هم نفس این کار که در حوزه، چنین کاری آغاز شود.

باید به یک نکته توجه کرد که در صحنه جهانی، دو رویه وجود دارد؛ یک رویه قدرت و یک رویه فرهنگ. کسانی می‌توانند یک فرهنگی را در این میانه فرهنگ‌های مختلف، آن را به نیکی بیان کنند و به خوبی آن را برسانند که هم استعداد کافی در این زمینه داشته باشند و تأملات جدی نیز داشته باشند و مهمتر از آن، این است که منطق و زبان طرف مقابل را بشناسند و مقصودم از زبان،

زبان انگلیسی، عربی، فارسی و یا آلمانی و فرانسه نیست؛ بلکه منطق ذهنی آنهاست. حضرت آقای موسوی لاری یکی از شخصیت‌های نادری هستند که در این زمینه آشنایی داشتند و تلاش هم کردند که این آشنایی‌شان هم بیشتر شود.

ایشان یک بحثی در باب اینکه چرا در کشور و در جوامع، امامت و حکومت اسلامی نیاز هست و ما احتیاج به کسی داریم که زعامت را داشته باشد که عدالت را محقق کند. معمولاً ایشان یک نگاهی برای نقد رفتارهای غرب در آثارشان دارند.





نکته بعدی، تنوع موضوعاتی است که ایشان بحث کرده است. یعنی دسترسی افرادی که برایشان مشکل است که تتبع کنند در آثار ایشان آسان است. این تنوع موضوع که هم شامل مسائل اخلاقی است و هم شامل مسائل سیاسی و جهان‌بینی و حتی احکام است که بعضی از احکامی که آن‌ها برایشان سؤال است؛ مثل تعدد زوجات یا ... در آثار ایشان راجع به این‌ها بحث شده است.

نکته دیگر که باز من فکر می‌کنم از ویژگی‌های آثار ایشان هست توجه به نکات اساسی است که شخصیت ساز است؛ هم برای افراد و هم برای جامعه. کتابی هم که ایشان به عنوان رسالت اخلاق در تکامل انسان نوشتند به هر دو وجه می‌پردازند. یعنی آثار ایشان می‌تواند انسانی را که از این مسائل دور بوده را هم آگاه کند و بصیرتی به آنان بدهد و هم اراده آنان را معطوف به عمل کند. یعنی جذابیت در آثارشان هست و یک نوع مقایسه است.

یک نکته دیگری جا دارد روی آن تأمل بیشتر شود، که بزرگترین شکست اخلاقی جامعه در این است که ناتوان باشد از تشخیص خوب و بد برای جامعه. امروز که این فراز و فرودهای سیاسی و فرهنگی دارد پایان می‌پذیرد و آن عرصه‌های مستانه‌ای که آمریکایی‌ها می‌زدند به عنوان پایان تاریخ، این حرف‌ها یک نشست کرده است در سطح بین‌المللی و خیلی از متفکرین را به فکر فروبرده است که ما در چه شرایطی هستیم؟ خیلی‌ها معتقدند که ما یک دوره گذار داریم. حالا ایشان اصطلاح دوره فطرت یا برزخ را دارند که یک دوره فرهنگی

برای اینکه حرف، مقایسه شود و به روز باشد. نقدی دارند به رفتار دموکراسی و نحوه قانون‌گذاری در کشورهایی که امروزه آن‌ها را دموکراتیک می‌دانیم. در باب مشروعیت قانون‌گذاری در حکومت‌های دموکراتیک خیلی راحت این مطلب را بیان کردند و مطلب مهمی است که این نوع قانون‌گذاری، مبنای مشروعیتش معیار روشنی ندارد. چرا؟ چون مبنای تمایلات افراد است و این تمایلات افراد، در ظروف و شرایط مختلفی که انسان‌ها در آن هستند می‌تواند متفاوت و متغیر باشد. این حرف، بیان ساده و موضوع بسیار مهم در فلسفه سیاسی است که آیا مبنای مشروعیت در حکومت‌ها این است که ما صرفاً به آراء توجه داشته باشیم بدون چارچوب‌ها؟ بیان یک بیان ساده و همه فهم است اگر کسی تأملات فلسفی هم نداشته باشد این مطالب را ببیند موضوع را می‌فهمد.

نکته دیگری که من در آثار ایشان وجود داشت اعتدال در نظر است. محاطب ایشان ظرفیت افکار افراطی ندارد. مخصوصاً ارتباطات و نامه‌نگاری‌هایی که با ایشان شده است نشانگر همین است. حالا نه در عقل‌گرایی افراطی، آنان ظرفیتش را دارند (چون آنان خودشان در این زمینه افراط کرده و مشکلاتی دارند) و نه در مخالفت با عقل.

نکته دیگر مخالفت با خرافه‌گرایی است که در نقدی که بر برخی از خرافه‌گرایی در مسیحیت و در دوره‌های گذشته در آثار ایشان هست کاملاً مشرب فکری ایشان را نشان می‌دهد که تفکر اصیل اهل بیت و تفکر اسلامی با اینگونه خرافه‌گرایی‌ها تباین دارد.

## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری در سخنان آیت‌الله مصباح یزدی (ره)

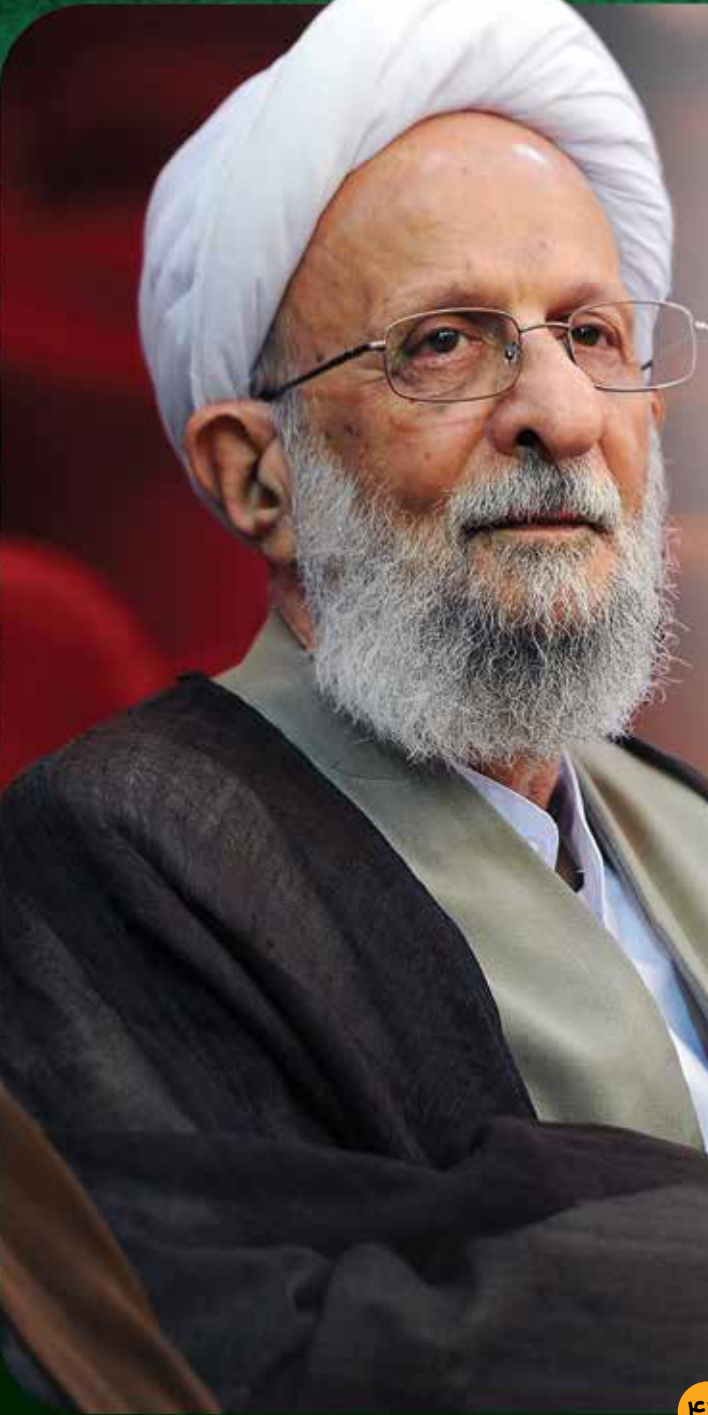
اول نوشته‌ام همت بلند؛ هرکسی که مختصر آشنایی با بیوگرافی ایشان داشته باشد و از آغاز اشتغالشان به تحصیل و بعد، فعالیت‌های مختلف فرهنگی‌شان، زادگاه‌شان، سپس در حوزه علمیه قم و پس از آن در سراسر جهان؛ اولین چیزی که توجهش را جلب می‌کند این است که ایشان چه همت بلندی داشته‌اند نکته ای که از روحیات ایشان، شخصاً درک کردم مسئله عزت نفس ایشان است.

دنبال استقلال و عزت نفس بودن، لازمه‌اش توکل است سپس در مقام عمل، رعایت ارزش‌های اسلامی.

این‌ها نتیجه اخلاص است. حالا یک نمونه آن را در شخص آقای موسوی ملاحظه کنید. یک طلبه‌ای از لارستان چند سالی به قم می‌آید و وظیفه‌ای احساس می‌کند و مشغول به کار می‌شود و نه به کسی عرض حاجت می‌کند و نه کسی از او حمایت می‌کند و نه مقام و منصبی و نه ارگان، نهاد و دولتی متصدی می‌شود که کمکی به او برساند فقط به امید خدا و برای انجام وظیفه شروع می‌کند. مگر یک طلبه چقدر می‌تواند این کار را بکند؟ امروز شما ببینید که با بیش از یکصد کشور در دنیا ارتباط علمی دارد و مردم سؤال می‌کنند و نامه می‌نویسند و بحث می‌کنند و ایشان برایشان کتاب می‌فرستد.

دارد پایان می‌پذیرد و وارد دوره فرهنگی جدیدی می‌شویم. در آن دوره فرهنگی یک نوع مادی‌گرایی صرف و نوعی روی‌گردانی از دین و یک نوع پشت پا زدن به اخلاق و نوعی قدرت طلبی در آن است.

یک خصوصیت دیگری هم هست که آن خوش‌سلیقگی ایشان در انتخاب واژه‌هاست. در امر تبلیغ، جذابیت بیان خیلی مهم است. گاه در تاریخ اسلام دیدید که وقتی امام علی (ع) صحبتی می‌کرد طرف مقابل، منقلب می‌شد. خیلی از داستان‌ها وجود دارد که سوره کوچکی از قرآن، فردی را منقلب کرد. جذابیت بیان استفاده از واژه‌ها خیلی کمک می‌کند. ایشان این خوش‌سلیقگی را دارند. جدای اینکه بیان ساده و در عین حال، متین و استوار است و ایشان آشنا به مبانی فکر طرف مقابل هستند اما این خصوصیت استخدام واژه‌ها در جای خودش با جذابیت هم کار بسیار جالب ایشان است. مثلاً راجع به اعتماد به نفسی که غالباً صحبت می‌شود ایشان اعتماد به حق را برجسته می‌کنند؛ چون اعتماد به نفسی که در راستای اعتماد به حق نباشد به یک غرور کاذب منتهی می‌شود و ایشان فصلی دارند در این جهت که چگونه اختلال ایجاد می‌شود در بینش فرد مغرور؟ و چه مشکلاتی در او هست که اختلالاتی را ایجاد می‌کند. در کل فکر می‌کنم ایشان در نوع خودشان، فردی منحصر به فرد بود یا کمتر افرادی شبیه ایشان بودند که در حوزه حضور داشته باشند؛ اما دغدغه خاطر برای برون مرزها داشته باشند.



علمای ما با چند کشور دنیا ارتباط دارند؟ کتابهای ایشان به دهها زبان زنده دنیا ترجمه شده است که غالب آنها داوطلبانه بوده و ایشان حق ترجمه به کسی نپرداخته است. داوطلبانه روی عشق و علاقه‌ای که به شخص ایشان و کتابهای ایشان داشتند. البته ایشان را از روی کتب ایشان شناختند. داوطلبانه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه کردند. گاهی بعضی از آنها دهها هزار و شاید مجموع چاپ‌هایش بیش از صد هزار چاپ و در دنیا منتشر شده است.

از ویژگی‌های ایشان که مربوط به ویژگی‌های روانی و شخصیتی ایشان است روح امید و خوش‌بینی به کار ایشان است؛ در مقابل این همه سختی‌هایی که فرصت اشاره به آن نیست، ایشان هیچ‌گاه از کار خوش‌نامید نمی‌شود. همواره با خوش‌بینی و امید به آینده و مخصوصاً البته وقتی آثارش هم ظاهر می‌شود و استقبال عجیب از همه دنیا می‌شود معمولاً آدم امیدش

افزوده می‌شود (و آن اثر

طبیعی آن است) ایشان

صرف نظر از این آثار،

یک آدم خوش‌بین و

امیدواری است و

منفی‌باف و منفی‌نگر

نیست که نه؛

نمی‌شود کاری کرد؛

جامعه را به دست آوردند و سعی کردند در همه این زمینه‌ها به ترتیب، آثاری را ارائه بدهند. وقتی شما آثار ایشان را ملاحظه می‌فرمایید می‌بینید مثل یک متخصصی نیست که فقط چشم‌پزشک است و سایر اندام را نمی‌تواند معالجه کند. او سعی کرده است که همه نیازهای جامعه اسلامی را شناسایی کند و برای هر اندامی یک داروی مناسبی را ارائه دهد. انگیزه بنده، یکی عرض ارادت به پیشگاه ایشان بود به خاطر ویژگی‌های شخصیتی ایشان و یکی قدردانی از این نعمتی بود که خداوند به جامعه ما عنایت کرده است. تنها نعمت ایشان برای کسانی که از کتب ایشان استفاده می‌کنند نیست؛ بلکه برای جامعه روحانیت، علما و حتی بزرگان ما هم، وجود ایشان نعمت است؛ زیرا یکی از سوالاتی که در ذهن مردم وجود دارد این است که آخوندها چه‌کاره‌اند و چه‌کاری می‌کنند؟ ولی وقتی انسان یکی دو نمونه نشان دهد که ببین یک طلبه چه‌کار می‌کند و چه‌قدر وجودش در دنیا مؤثر است و چه‌قدر موجب برکت است. این افتخاری برای همه ماست.



خیر؛ در آخر الزمان هم می‌شود کارهای خوب زیادی کرد. در جبهه‌ها، نوجوان‌های سیزده‌ساله می‌توانند کار بکنند و بشوند امام. صفت دیگر ایشان این بود که هرکسی که با ایشان ملاقات می‌کرد او را درک می‌کرد. حالت مهربانی و صمیمیت و خیرخواهی و دلسوزی برای همه داشتند. هرکه با ایشان یک چند دقیقه‌ای می‌نشست این را لمس می‌کرد طبعاً کسی که ایشان را ملاقات می‌کرد از ته دل، ایشان را دوست می‌داشت. طبعاً باعث می‌شد که در نشر آثار ایشان کمک کند

خلاصه کنم و خیلی تفصیل ندهم، آن روح تواضع ایشان بود که هیچ‌گاه در کارش نمی‌گفت من این کار را کردم و یا این امتیاز را دارم. گاهی ایشان مطالب علمی را تحقیق می‌کردند که جنبه انحصاری داشت و تحقیق شخص خود ایشان بود؛ اما نمی‌گفت که ما این را کشف و تحقیق کردیم و چنین و چنان؛ بلکه می‌گفت که این چیزی است که به ذهنم رسیده و اگر اشکالی دارد تذکر دهید. این روحیه تواضع علمی و در رفتار، چقدر برای مخاطب می‌تواند مؤثر باشد و این چیزی است که ما باید سعی کنیم یاد بگیریم.

این‌هایی که عرض کردم ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود. اما یک‌سری از ویژگی‌ها برای آثار ایشان است. قلم رسا، بیان شیوا، سبک نگارش زیبا و دلنشین از عواملی است که موفقیت ایشان را چند برابر کرد و این را ما باید یاد بگیریم.

نکته دوم اینکه ایشان فهرستی از نیازهای

## شخصیت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری از منظر آیت‌الله شب‌زنده‌دار

در روایت است که «عند ذکر الصالحین تَنْزِلُ البرکة» یکی از مصادیق واقعی صالحین، مرحوم آیت‌الله آقاسیدمجتبی لاری بودند. من به واسطه اینکه والد معظممان با ایشان دوست بودند گاهی چندبار در روز خدمتشان مشرف می‌شدیم در این اواخر از آن بزرگوار، مشاهده کردم، عرق دینی بسیار بسیار شایسته‌ای در این بزرگوار بود و هم غم ایشان تبیین شریعت و هدایت انسان‌ها به اسلام و تشیع و اهل‌بیت بود و در این زمینه، از مجاهدت‌های فراوانی ایشان برخوردار بودند

و دریغ نداشتند. هم تألیفاتی که ایشان در زمینه عقاید و اخلاق و در تبیین مواضع و مواقف شریعت و در مسائل اجتماعی و مسائل مختلف زندگی داشتند هم قلم، قلم بسیار شیوا و واضح و مورد پسند مطالعه‌کنندگان و جامعه بود و هم از اتقان برخوردار بود و این خیلی مهم است.

اگر به این مسئله توجه کنیم با اینکه ایشان از همان اوائل جوانی تا زمانی که به رحمت خدا رفتند ایشان همیشه بیمار بود و سردرد داشت و سایر بیماری‌ها. از بچگی تا فوت؛ ایشان پیوسته بیمار بود و آن هم، بیماری سردرد که درکنار سایر بیماری‌های ایشان بود و قهراً معمولاً این بیماری‌ها موجب می‌شود که شخص از فعالیت‌های اجتماعی، مطالعه و نوشتن و امثال ذلک خودش را برکنار کند ولی ایشان علی‌رغم این بیماری‌ها یک استقامت و صبری و شکیبایی در این راه داشت.

این همه آثار و برکات علمی نوشتن و دنبال کردن و انتشار و به خارج فرستادن و ... این واقعاً نشانه از یک مجاهده بزرگی در راه خدا و شریعت و در راه معرفی کردن ائمه و

## ویژگی‌های مرحوم لاری در بیان فرزندانشان حجت الاسلام سیدعلی اصغر موسوی لاری

رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل  
عقدۀ من لسانی یفقهوا قولی.

پرسش در مورد سیره عملی و خاطرات رفتاری  
مرحوم آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری را  
می‌توانم به طور خلاصه به دو بخش تقسیم  
کنم؛ یک بخش فردی و یک بخش اجتماعی. در  
خصوص سیره و رویه فردی ایشان و خاطراتی  
که از محضر شریفشان برابم باقی مانده و به  
عنوان اینکه افتخاری است برای من که فرزند  
ایشان هستم و نقل کنم

در خصوص رویه و سیره فردی ایشان من  
سه عنوان و شاخص را می‌توانم به ترتیب  
نام ببرم؛ تا آنجایی که ما خاطرمان هست و  
به‌رحال از نوجوانی و پس از دوران کودکی  
که خاطرات، بیشتر برای ما مانده است،  
شاخص‌ترین رفتارهایی که ما از ایشان  
دیده‌ایم یکی سکوت اندیشمندانه است؛  
یعنی ایشان پرحرفی نداشتند و بیشتر کنار  
ایشان بودن با سکوت توأم بود و اسم آن را  
سکوت اندیشمندانه می‌گذارم و این سکوت  
اندیشمندانه از باب تعقل عرض می‌کنم که  
از منش و روش ایشان درس می‌گرفتیم؛ در  
نتیجه این بود که می‌توانستند رفتار حکیمانه  
داشته باشند. یعنی شاخص دوم این می‌شود؛  
وقتی سکوت اندیشمندانه باشد رفتار هم با  
دیگران در عرصه اجتماعی، یک رفتار حکیمانه  
است؛ چه با خانواده و چه با افراد در مهمانی

فرمایش‌های آنان است که حتماً نزد خدای  
متعّال، خیلی ارزشمند است.

بر اثر آن صفای نفس و خلوص نیت و تمام  
این خدماتی که داشت اهل تظاهر نبود و کار را  
برای خدا انجام می‌داد. این نکته بسیار مهمی  
است و حتماً باید گفت که این توفیقی که برای  
آن بزرگوار در نشر این معارف بود همه از آن  
خلوص نشأت می‌گیرد که در روایت وارد شده  
است که «ما کان لله ینموا» هرچه برای خدا  
باشد نمو و رشد می‌کند و آن بزرگوار در اثر  
همان اخلاصی که داشتند کارهایشان هم رشد  
و نمو کرد و جهانی شد

یکی دیگر از صفات ایشان این بود که انسان  
خیلی اخلاقی و بزرگوار بودند. یک حالت  
بزرگواری سخاوتمندانه‌ای که اگر چیزی را به  
کسی دادند ولو برای رفع ضرورت، دیگر پس  
گرفته نمی‌شود. این‌ها نشانگر آن تربیت‌های  
بزرگوارانه‌ای که از جد بزرگوارشان آقا سید  
عبدالحسین لاری - که شخصیت خیلی عظیمی  
بودند - به ایشان رسیده بود که نقطه عطفی  
است در خود این بزرگوار در تاریخ علمای  
اسلام، آن شجاعت و بزرگواری و آن خوش‌فکری  
که داشتند و اینکه اسلام را یک اسلام سیاسی  
اجتماعی و در کنار جهات دیگری که در اسلام  
هست دیدند و در این بزرگوار بود و این‌ها  
هم فرزندان و احفاد آن بزرگوار بودند.

خدا ایشان را با اجداد طاهرینش محشور  
فرماید و همچنین با محمد و آل محمد و  
ان‌شاءالله عزیزانی که دست‌اندرکار معرفی  
ایشان و بزرگداشت آن بزرگوار هستند از  
خداوند یک اجر جزیلی دریافت نمایند.

است؛ چه با خانواده و چه با افراد در مهمانی و پذیرایی و جمع فامیلی همیشه یکی منش و رفتار حکیمانه‌ای داشتند.

گاهی که من کاری داشتم و وارد اتاق یا محل خلوتشان می‌شدم به اندازه‌ای که آن کار را انجام دهم به من سفارش می‌کردند و بقیه آن به سکوت می‌گذشت یا گاهی ناخودآگاه بدون اطلاع ایشان به هر حال می‌دیدم در یک خلوتی که نشسته‌اند و تفکر دارند این آیه خیلی ترجیح‌بندشان بود که «ربنا ما خلقت هذا باطلا» از آیات پایانی سوره آل عمران، بسیار زیاد از ایشان می‌شنیدم و مشخص بود که سکوت اندیشمندانه در چه حال و هوای تفکری بودند.

در بُعد اجتماعی می‌توانم سه شاخص را برای منش شخصیتی‌شان نام ببرم، یکی زی روحانی است؛ یعنی از نظر رفتاری در اجتماع، خلاف شأن این لباس مقدس را از ایشان ندیدیم و بلکه ایشان در برابر افرادی که نشسته بودند چیزی میل نمی‌فرمودند؛ حالا یا به‌خاطر وضعیت مزاجی و بیماری‌شان، سوای از این مسئله برای چیزهای عادی هم که مشکلی برای سلامتی‌شان ندارد را سعی می‌کردند جلوی مردمی که نشسته‌اند چیزی نخورند؛ یعنی این دهان ایشان این حرکات را انجام ندهد که شاید یک شأن و یک زی از یک روحانیت شایسته و بایسته به هم بریزد

در شاخص دوم، زیست مردمی؛ یعنی زی روحانی و زیست مردمی؛ منزلشان، بیرونی و رفت‌وآمدشان بارها بود که به من می‌گفتند که تماس که با من می‌گیری چون کسی گوشی را برمی‌داشت (مثلاً من قم بودم و ایشان در لارستان) گوشی را

برمی‌داشت برای اینکه کارهایی را که خدمتشان داشتیم را عرض کنم. دائماً می‌گفتند علی! آن طرفی که گوشی را برمی‌دارد سلام می‌کند یا نه؟ چون یادشان داده بود که گوشی که برمی‌دارید بدون اینکه کسی از آن طرف سلام کند، شروع سلام، تو باشی. در ضمن، مردمی که با ایشان تماس می‌گرفتند به هیچ وجه از ایشان نپرسید که با آقا مجتبی چه‌کار داری؟ هرگاه که شرایط می‌آید می‌کند و می‌توانم جواب دهم مثلاً می‌گویم با ایشان کار داریم. بلافاصله تلفن را وصل کنید. حالا یا استخاره می‌خواهند یا مشکل خانوادگی یا مالی دارند. کسی که پشت تلفن، وسیله ارتباط

است نباید از آن طرف پرسد که شما با آقا چه‌کار دارید؟ چون کاری خصوصی است و ممکن است که نخواهد به شما بگوید. من خودم پاسخگوی او خواهم بود.



آخرین شاخصی که در بعد اجتماعی ایشان می‌توانم عرض کنم رفتار متواضعانه اخلاقی ایشان است. ایشان در اواخر عمرش نشست و برخاست برایش سخت بود و صندلی که می‌خواستند بگذارند ابا می‌کردند که بنده روی صندلی بنشینم و بقیه مراجعین مردم روی زمین. این را برازنده نمی‌بینم. یا برای همه، صندلی تهیه کنید یا اینکه من به صورت انفرادی این کار را نمی‌کنم.

این‌ها چیزهایی است که ماها به صورت ساده از کنار آن عبور می‌کنیم ولی همانطور که عرض کردم در زی روحانی و زیست مردمی و تواضع اخلاقی، شاخص‌های مهمی در رفتار یک روحانی که می‌خواهد روحانی شایسته و بایسته‌ای باشد.

اولین گام ایشان برای تبلیغ آیین نورانی اسلام شناخت روشنفکران است. پس از آن، معرفی عالمانه است نه عامیانه. نکته بعدی محور بودن دیانت است. حتی ایشان دیانت جدای از سیاست را داشتند؛ البته به وجهه صحیح آن عرض می‌کنم که آلودگی سیاست را در دیانت دخالت ندهیم و همیشه این عدل قضیه درست باشد که سیاست ما عین دیانت ما باشد اما دیانت ما عین سیاست ما نباشد و مبانی اعتقادات اصیل ناب محمدی اصل هستند و سایر، فرع‌اند. شبیه این مطلب را از استاد مرتضی مطهری داریم، که اوایل انقلاب، پیرامون انقلاب اسلامی دو تعبیر دارند. یکی انقلاب اسلامی و دیگری اسلام انقلابی. آن شهید گرانقدر، اسلام انقلابی یعنی یک سویه‌نگری اسلام را قبول نداشتند. ولی انقلاب می‌تواند رنگ و صبغه اسلامی داشته باشد که اسلام اصل است.

من گاهی روی بچگی خودمان در آن سنین و آن جوانی و نوجوانی خدمتشان می‌گفتم که

یک کتاب امامت هم به عنوان یک شیعه لطفاً ضمیمه کنید. ایشان می‌فرمودند که صلاح نیست. فعلاً باید توحید و خداشناسی را بپردازیم. امامت مسئله‌ای بسیار پیچیده و معاد، بسیار مسئله‌متافیزیکی است و بسیار فلسفی است و باید ظرفیت‌های مخاطب را در نظر گرفت. این از منشاها و رفتارهایی است که از ایشان سراغ دارم. فرض بفرمایید همان کتاب شناخت خدا، یک مقاله‌ای بود از کتاب مبانی اعتقادات، بخش توحید آن که جناب فرانسیس گولدین طی سفری که با ایشان به خارج از کشور داشتند (در انگلستان و آلمان آشنا شده بودند) یک مسیحی موحد بود که به ایشان علاقه‌مند شده بود و همین بخش شناخت خدا به جزوه اینچینی را ترجمه کرده بودند؛ یعنی گام اول اینکه شناخت خدا است. ایشان روی آن توحید خیلی مانور می‌دادند.

خاطرهم هست که نامه‌ای از طرف واتیکان آمده بود که یکی از کشیش‌های مسیحی در آلمان صحیفه سجادیه را با ترجمه انگلیسی ویلیام چیتیک ترجمه کرده بود. این به مؤسسه مرحوم پدرم رسیده بود و آن کشیش که منتقل شد و سفری به رُم و واتیکان داشت آنجا معرفی کرده بود و دفتر پاپ، نامه‌ای نوشته بود که ما معانی بلند عرفانی در این کتاب (صحیفه سجادیه) دیدیم که در مسیحیت سراغ نداریم و این کتاب را برای ما بفرستید و چون خودشان تقاضای کتاب دعا کردند ایشان فرستادند و بسیار هم مثمر ثمر بود.